

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُم
مِنْ الْمُتَّقِينَ

اقامهٔ عزا در سوگ سیدالشهدا علیه السلام چرا و چگونه؟

اصغر غلامی

«سخن آشنا ۲۴»



انتشارات نبا

سرشناسه	: غلامی، اصغر، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور	: اقامه عزا در سوگ سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> چرا و چگونه؟ / اصغر غلامی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۸ ص؛ ۵/۲۱ × ۵/۱۴ س م.
شابک	: ۳۵۰۰۰ ریال: ۴-۰۵۷-۰۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۶۵-۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: حسین‌بن‌علی <small>علیه السلام</small> ، امام سوم، ۴-۶۱ ق -- سوگواری‌ها
موضوع	: سوگواری‌های اسلامی
موضوع	: گریه -- جنبه‌های اسلامی -- اسلامی
رده‌بندی کنگره	: BP ۱۳۹۴۳/۲۶۰ الف ۱۷ غ ۸۴ / غ
رده‌بندی دیوینی	: ۷۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۷۴۵۴۳



انتشارات نبأ

اقامه عزا در سوگ سیدالشهداء علیه السلام

چرا و چگونه؟

تألیف: اصغر غلامی

- ناشر: انتشارات نبأ
- چاپ: اول، ۱۳۹۴
- صحافی: صالحانی
- قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال
- لیتوگرافی: ندا
- چاپ: دالاهو

مراکز پخش: تهران: خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از خیابان بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش ادیبی،

پلاک ۲۶، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۰۴۶۸۳

وبسایت: www.nabacultural.org

فهرست مطالب

کشته اشک	۷
ضرورت برپایی مجالس عزا در مصائب حضرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>	۱۰
خواست تکوینی خدا	۱۰
دستور پیشوایان	۱۳
عمل پیشوایان	۱۵
تعظیم شعائر	۱۸
احیای امر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۰
مجالس عزای حضرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> ، بهشت شیعیان	۲۹
ثواب و آثار گریه در مصائب حضرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>	۳۰
ایجاد امیدواری و رهایی از یأس	۴۱
اسباب خوف و رجاء	۴۳
مجلس حسین <small>علیه السلام</small>	۴۶
رجحان تعدد مجالس عزاداری	۴۷
شرکت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در مجالس عزای حضرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>	۴۸

۵۰	رعایت آداب مجالس عزا
۵۴	خواص مجالس عزا و گریه بر امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۴	مقصد ششم
۵۶	مقصد هفتم
۵۷	مقصد هشتم
۵۹	مقصد نهم
۶۵	مقصد دهم؛ خواص چشم گریان
۶۶	مقصد یازدهم؛ خواص اشکی که در عزای حسین <small>علیه السلام</small> جاری می شود
۶۷	مقصد دوازدهم
۷۰	منابع

کشته اشک

السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام علی اسیر الکربات
وقتیل العبرات.^۱

سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر اسیر رنجها و کشته اشکها.
نام مبارک حضرت سیدالشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام با مظلومیت،
اندوه، سوز دل و اشک چشم گره خورده است. چرا که خدای تعالی به
خاطر شهادت مظلومانه حجت خویش حرارتی در دل های مؤمنان
قرار داده که هرگز سرد نمی شود.
روزی حضرت امام حسین علیه السلام به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سبب گرمی خویش نگریستند، او را در آغوش خود
نشانند و فرمودند:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا.^۲
به راستی که در شهادت امام حسین علیه السلام حرارتی در دل های مومنان
است که هرگز سرد نمی شود.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳ (زیارت اربعین).

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

این حرارت در دل‌های مؤمنان سبب می‌شود که آنان هرگاه از مولای خویش یاد می‌کنند، دچار حزن و اندوه گشته، اشک چشمانشان بی‌اختیار سرازیر گردد. بر همین اساس است که حضرت سیدالشهداء علیه السلام خود را کشته اشک معرفی می‌کند و می‌فرماید:

أنا قتيل العبرة لا يذكرني مؤمن الا استعبر.^۱

من کشته اشک چشم‌ام هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر اینکه (در غم مصائب من) اشک می‌ریزد.

مصائب نور دیده مصطفی صلی الله علیه و آله چنان تأثیر برانگیز و غمبار است که آسمان‌ها و زمین بر ایشان گریانند و شایسته است مؤمنان در هر مصیبتی و یا هرگاه که اندوهگین می‌شوند بر سید و سالار شهیدان بگریند. حضرت امام رضا علیه السلام به ابن شیبب فرمودند:

يابن شبيب إن كنت باكياً لشيء فباكٍ للحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام فإنه ذبح كما يذبح الكبش وقتل معه من أهل بيته ثمانية عشر رجلاً ما لهم في الأرض شبيهون ولقد بكت السماوات السبع والأرضون لقتله.^۲

ای پسر شیبب اگر خواستی بر چیزی بگریی پس برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن چراکه او ذبح شد چنان که گوسفند ذبح می‌شود و هیجده مرد از اهل بیت‌اش به همراه او کشته شدند که در

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۰۸.

۲. الأمالی للصدوق، ص ۱۳۰؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹.

روی زمین شبیهی ندارند و به تحقیق آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها
برای کشته شدن او می‌گیرند.

بدین روی بر مؤمنان است که بر مصائب مولای خویش بگریند و
همدیگر را بگریانند و چنانچه به گریه نیفتادند حالت گریه و ماتم
بگیرند که این امور سبب بهشتی شدنشان می‌گردد؛ چنان که
صادقین علیهم‌السلام فرمودند:

من بکی أو أبکی غیره ولو واحداً ضَمَّنَّا له علی الله الجنة ومن لم يتأتَّ
له البكاء فتباکی فله الجنة.^۱

هرکس (در مصیبت امام حسین علیه‌السلام) بگرید یا غیر خود ولو یک نفر را
بگریاند، ما از سوی خداوند بهشت را برای او ضمانت می‌کنیم.
و اگر کسی به گریه نیفتاد چنانچه حالت گریه بگیرد بهشت بر او
واجب می‌شود.

در نتیجه امام حسین علیه‌السلام کشتی نجات مؤمنان است و خستگان گناه
و ناامیدان به فلاح را از خستگی و نومیدی، که کفر است، می‌رهاند و به
آغوش رحمت الهی باز می‌گرداند. صاحب الخصائص الحسینیة
مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتری در این باره می‌فرماید:

ملاحظه این معنا که به گریه امام حسین علیه‌السلام ثوابی مترتب می‌شود که
حدی ندارد - و البته آنچه حدی ندارد زوال و نیستی نمی‌پذیرد؛ بنابراین
هر قدر از آن بردارند، کم نخواهد شد - برایم روزنه امید و دریچه
اطمینانی شد.

۱. مثیر الأحران، ص ۱۴.

... رقت و دلسوزی بر مصائب امام حسین علیه السلام که گاهی با قصد و تأمل و ملاحظه این است که آن حضرت، امام مفترض الطاعة هستند، و گاهی رقت و بکاء بدون ملاحظه امری و فقط به محض شنیدن ماوقع حاصل می‌شود... و بدون تردید این تأثرات موجب عنایت حق و جلب رحمت‌های باری تعالی می‌گردد.

ضرورت برپایی مجالس عزا در مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام

برپایی مجالس عزا در سوگ سبط مصطفی صلی الله علیه و آله از جهات متعددی ضروری است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

خواست تکوینی خدا

چنان که پیش از این گذشت، خداوند به خاطر مصائب امام حسین علیه السلام حرارتی در دل‌های مؤمنان قرار داده است که با یاد آن حضرت دچار حزن و اندوه می‌شوند و اشک از چشمانشان جاری می‌گردد؛ به همین جهت آنگاه که ماه محرم و روز عاشورا فرامی‌رسد غم و اندوه و حزنی در سینه مؤمنان سنگینی می‌کند و بغضی گلوی آنان را می‌فشارد. مؤمنان همچنین با شنیدن نام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام متأثر می‌شوند و گاه اشکشان بی اختیار جاری می‌شود. این حالت چه بسا به خاطر حزنی است که بر ائمه علیهم السلام عارض می‌شود؛ زیرا شیعیان از زیادی طینت اهل بیت علیهم السلام آفریده شده‌اند و به نور ولایت آن بزرگواران عجین گردیده‌اند و آنچه بر ائمه علیهم السلام عارض می‌شود به شیعیان نیز می‌رسد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

ان الله تبارك وتعالى أطلع الى الأرض فاختارنا واختار لنا شيعة
ينصروننا ويفرحون لفرحنا ويحزنون لحزننا ويسذلون أموالهم
وأ أنفسهم فينا، أولئك منا وإلينا.^۱

همانا خدای تبارک و تعالی توجهی به زمین کرد و ما را برگزید و برای
ما شیعیانی برگزید که ما را یاری می کنند و در شادی ما شاد و در غم ما
غمناک می شوند و مال و جان خود را در راه ما بذل می کنند، آنها از ما
هستند و به ما می پیوندند.

شیخ جعفر شوشتری رحمته الله می فرماید:

الف) حسین علیه السلام فرمود: «من کشته اشک چشم هستم. نزد هیچ مؤمنی
از من یاد نمی شود مگر اینکه برای مصیبت های ما غمگین شود و گریه
کند». و این از صفات همه انبیاء علیهم السلام است. من این حالت را هنگام
شنیدن نام آن حضرت در خود یافتم از این رو به اندکی از ایمان
-حداقل در حد رفع جاودانگی در جهنم - در وجودم پی بردم.

ب) آنگاه که ماه محرم و عاشورا فرامی رسد دچار غم شده و حزن و
اندوه بر من روی می آورد.

ائمہ علیهم السلام نیز چنین بوده اند، و این امر را دلیل بر وجود اثری از ولایت
ائمہ در خود یافتیم، چراکه گفته اند: «شیعیان ما کسانی هستند که از
زیادی گل طینت ما آفریده شده اند و به نور ولایت ما عجین گردیده اند،

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۳۵، حدیث الاربعمأة؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴.

به آنان می‌رسد آنچه به ما می‌رسد». و اخبار نیز دلالت بر این معنا دارد که هرگاه محرم می‌شد، آثار گریه و اندوه بر هر یک از امامان عارض می‌گردید. هیچ کس در ایام محرم امام صادق علیه السلام را خندان ندید و حضرت رضا علیه السلام در همه ایام عاشورا غمگین و محزون بودند و رنگ حضرت در اثر مصیبت حسین علیه السلام متغیر بود. حضرت در مجلس عزای حسینی می‌نشست و اهل بیتش نیز در پس پرده به عزای حسینی می‌نشستند. هرگاه کسی بر ایشان وارد می‌شد و اهل شعر بود، دستور می‌دادند درباره امام حسین علیه السلام مطلبی انشاء کند. چنانچه در قضیه «دعبل خزاعی» آمده است، و اگر کسی نبود حضرت خود مصائب جدش را یاد می‌کرد.

در روایت ریان بن شیبیب آمده است که، وقتی روز اول محرم بر حضرت وارد شدم، فرمود: ای پسر شیبیب اگر می‌خواهی گریه کنی، بر حسین گریه کن که او را مانند گوسفند سر بریدند و او هیچ‌کس را از اهل بیتش، کشته شدند.

روش سایر امامان دیگر نیز همین بوده است. بنابراین، شکسته شدن دل به هنگام رؤیت هلال ماه محرم، نشانه‌ی علاقه به آن حضرت علیه السلام است. چنانچه با مقدار تأثر در این امر، تفاوت درجات ایمان مشخص می‌شود، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی.^۱

۱. زیتون، ترجمه الخصائص الحسينیه، ص ۱۴ و ۱۵.

دستور پیشوایان

پیشتر گفتیم که ائمه علیهم السلام مؤمنان را به گریستن و گریاندن یکدیگر در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام امر فرموده اند. حتی تأکید شده که اگر کسی به گریه نمی افتد دست کم حالت گریه و حزن به خود بگیرد. امام باقر علیه السلام درباره کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا موفق نشده است، می فرماید:

إذا كان ذلك اليوم برز إلى الصحراء أو سعد سطحاً مرتفعاً في داره
وأوماً إليه بالسلام واجتهد على قاتله بالدعاء وصلّى بعده ركعتين
يفعل ذلك في صدر النهار قبل الزوال ثم ليندب الحسين عليه السلام ويبيكيه
ويأمر من في داره بالبكاء عليه و يقيم في داره مصيبتة بإظهار الجزع
عليه يتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت وليعزّ بعضهم بعضاً
بمصائب الحسين عليه السلام... قال (الراوي): قلت: فكيف يعزّي بعضهم بعضاً
قال: يقولون عظم الله أجورنا بمصابنا الحسين عليه السلام...^۱

هنگامی که آن روز فرارسید به صحرا رود یا در منزلش به محل بلندی
بالا رود و با اشاره به آن حضرت سلام دهد و در نفرین و لعن قاتل
ایشان بسیار بکوشد و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند. این اعمال را در
وسط روز پیش از زوال انجام دهد سپس برای امام حسین علیه السلام
سوگواری کند و بگیرد و هرکه را در خانه اوست به گریه بر امام
حسین علیه السلام امر کند و در منزلش مصیبت آن حضرت را با اظهار جزع بر

۱. کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

ایشان برپا دارد و همدیگر را در خانه‌ها با گریه ملاقات کنند و به یکدیگر در مصیبتی که به امام حسین علیه السلام رسیده تعزیت گویند... (راوی) گفت: عرض کردم چگونه به یکدیگر تعزیت گویند؟ (امام علیه السلام) فرمودند: این طور بگویند: عَظَّمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمَصَابِنَا الْحُسَيْنِ علیه السلام...

در این حدیث شریف حضرت امام باقر علیه السلام به صراحت شیعیان را به برپایی مجالس عزا در مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام دستور می‌دهند و بر این امر تأکید می‌کنند. در دعای ندبه نیز به صورت کلی بر گریه و ندبه و ناله برای مصائب اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است. در این دعا می‌خوانیم:

فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صُلَى اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فِليبِكِ
الْبَاكُونَ وَإِيَّاهُمْ فِليبِنْدَبِ النَّادِبُونَ وَلِمَثْلِهِمْ فِليبِنْدَرْفِ الدَّمُوعِ وَيَصْرُخُ
الصَّارِخُونَ وَيَضِجُّ الضَّاجُونَ وَيَعِجُّ الْعَاجُونَ...^۱

پس بر پاکان از خاندان محمد و علی که درود خدا بر آن دو و خاندانشان باد، می‌بایست گریه کنندگان بگریند، و ناله کنندگان بر ایشان ناله سر دهند و می‌بایست برای مانند ایشان اشک‌ها روان گردد، و ناله کنندگان، ناله و فریاد زنند و ضجه کنندگان از دل ضجه برکشند و فریاد گران فریاد کنند...

یکی از پاکان خاندان محمد و علی صلوات الله علیهما و آلهما حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که مؤمنان باید در مصائب آن بزرگوار ناله کنند و به همراه هم فریاد برآورند:

۱. اقبال الاعمال، ج ۱۰، ص ۵۰۸؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷.

أین الحسین؟ أین أبناء الحسین

امام حسین علیه السلام کجاست؟ فرزندان امام حسین علیه السلام کجا هستند؟

عمل پیشوایان

در ذیل عنوان «خواست تکوینی خدا» نمونه هایی از عزاداری ائمه علیهم السلام در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به نقل از مرحوم شوشتری ذکر شد. گفتیم که چون شیعیان از زیادی طینت اهل بیت علیهم السلام خلق شده اند، حزن آن بزرگواران به طور تکوینی سبب حزن شیعیان می گردد. در اینجا یادآور می شویم که علاوه بر تأثیر تکوینی حزن و اندوه پیشوایان معصوم بر پیروان ایشان، عملکرد آن بزرگواران دستورالعملی برای شیعیان است.

در روایات نقل شده است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعد از واقعه کربلا به مدت ۳۵ سال روزها روزه می گرفتند و شبها به نماز و شب زنده داری مشغول بودند و هرگاه برای ایشان آب می آوردند به شدت برای شهادت پدر بزرگوارشان می گریستند؛ این رفتار امام سجاد علیه السلام از یک سو بیانگر شدت مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و از سوی دیگر بر ضرورت سوگواری و اقامه عزا برای مصائب آن حضرت از سوی شیعیان دلالت می کند.

از ابوعمارہ شاعر نقل شده است که گفت:

ما ذكر الحسين بن علي عليه السلام عند أبي عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام في يوم قطّ فرئى أبو عبدالله عليه السلام في ذلك اليوم متبسّما قطّ إلى الليل.^١ به راستی در هیچ روزی نزد امام صادق عليه السلام از حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام یاد نشد که در آن روز تا شب لبخندی از امام صادق عليه السلام دیده شود.

سفیان بن مصعب عبدی می گوید:

دخلت على أبي عبدالله عليه السلام فقال: قولوا لأُمّ فروة تجيء فتسمع ما صنع بجدها قال: فجاءت فقعدت خلف السّتر. ثمّ قال: أنشدنا قال: قلت: «فرو جودی بدمعك المسكوب» قال: فصاحت و صحن النساء فقال أبو عبدالله عليه السلام الباب الباب، فاجتمع أهل المدينة على الباب قال: فبعث أبو عبدالله عليه السلام صبيّ لنا غشي و صحن النساء.^٢

بر امام صادق عليه السلام وارد شدم. آن حضرت فرمودند: بهام فروة بگویند بیاید و آنچه را که بر جدش رخ داده است، بشنود. سفیان گفت: ام فروه آمد و پشت پرده نشست سپس امام صادق عليه السلام به من فرمودند: برای ما شعر (روضه) بخوان. سفیان گفت: عرضه داشتم: «ای ام فروه اشکهای روان خود را ارزانی بدار». در این هنگام فریاد گریه ام فروه بلند شد و همه بانوان با صدای بلند گریه کردند. امام صادق عليه السلام فرمودند: الباب الباب (یعنی مراقب پشت در خانه باشید) پس اهل

١. کامل الزیارات، ص ١٠١.

٢. الکافی، ج ٨، ص ٢١٦.

مدینه (در اثر این شیون) بر در خانه جمع شده بودند سفیان گفت: امام صادق علیه السلام کسی را به سوی ایشان فرستاد که بگوید: کودکی از ما غش کرده است و بانوان برای او شیون می‌کنند.

این حدیث شریف به خوبی ضرورت اقامه عزای برای مصائب حضرت سیدالشهداء علیهم السلام را در هر شرایط و دوره‌ای نشان می‌دهد تا آنجا که حضرت امام صادق علیه السلام در شرایط تقیه شدید نیز به برپایی مجالس روضه در منزل خویش ملتزم بودند.

در حدیثی از حضرت امام رضا علیه السلام آمده است که فرمودند:

إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرَ كَانِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ يَحْرَمُونَ الْقِتَالَ فِيهِ فَاسْتَحَلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَهَتَكَ فِيهِ حَرَمَتَنَا وَسَبَى فِيهِ ذُرَارِيَّنَا وَنَسَاؤُنَا وَأُضْرَمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِبِنَا وَانْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثَقَلْنَا وَلَمْ تَرَعْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَرَمَةَ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جَفُونَنَا وَأَسْبَلَ دَمِوعَنَا وَأَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَبِلَاءٍ وَأُورِثْنَا الْكَرْبَ وَبِلَاءَ الْيَوْمِ الْإِنْتِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحِطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ قَالَ علیه السلام كَانَ أَبِي علیه السلام إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ الْكُتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مَصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَاءِهِ وَيَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.^۱

همانا محرم ماهی است که اهل جاهلیت جنگ در آن را حرام کرده

۱. الأملی للصدوق، ص ۱۲۸.

بودند اما خون‌های ما در آن ماه حلال شمرده شد. حرمت ما در آن ماه هتک شد و فرزندان و بانوان ما در آن ماه اسیر شدند و در خیمه‌های ما آتش افروخته شد و آنچه از ائاثیه در آن بود چپاول شد و در امر ما هیچ رعایتی نسبت به رسول خدا ﷺ نشد به درستی که روز (شهادت امام حسین علیه السلام) پلک‌های چشمان ما را ریش کرد و اشک‌های ما را جاری ساخت. عزیزان ما را در سرزمین اندوه و گرفتاری (کربلا) خوار کرد و تا روز قیامت برای ما اندوه و گرفتاری به جا گذاشت پس گریه کنندگان می‌بایست بر مانند امام حسین بگریند چراکه این گریه گناهان سترگ را می‌ریزد سپس امام رضا علیه السلام فرمودند: هرگاه ماه محرم می‌رسید پدرم علیه السلام خندان دیده نمی‌شد و اندوه و غم بر او غالب می‌شد تا اینکه ده روز از ماه محرم می‌گذشت و چون روز دهم می‌رسید آن روز روز مصیبت و حزن و گریه ایشان بود و می‌فرمود این همان روزی است که امام حسین علیه السلام در آن کشته شد.

علاوه بر توصیه حضرت امام رضا علیه السلام به گریه بر مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام و ذکر آثار این کار عمل حضرت امام کاظم علیه السلام دستورالعملی روشن برای اقامه عزای و سر دادن ناله و آه و فغان و زاری در مصائب سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

تعظیم شعائر

خدای تعالی در قرآن کریم بندگان را به تعظیم شعائر ترغیب کرده و آن را از تقوای دل‌ها شمرده، می‌فرماید:

وَمَنْ يَعِظْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ^۱

و هرکس شعائر خدا را بزرگ دارد، پس به راستی که این کار از تقوای دل‌ها است.

«شعار» در لغت به معنای علامت و نشانه است.^۲ مراد از «شعائر» در این آیه شریفه نشانه‌هایی است که خداوند بندگان را به سوی آنها خوانده و بر برپایی آنها امر کرده است.

مرحوم نمازی شاهرودی «شعائر» را به معنای مطلق علامات دانسته و گفته است، چنان‌چه «شعائر» به خداوند اضافه شود منظور علامت‌های مربوط به امور خداوند خواهد بود و در آیه شریفه مراد از شعائر، نشانه‌های ویژه اطاعت الهی و اطاعت از شخصیت‌های برجسته دینی است.

ایشان سپس یادآور می‌شود که پیامبر و ائمه هدایتگر علیهم‌السلام از بزرگ‌ترین اعلام دین و نشانه‌های الهی هستند.^۳

تردید نیست که اهل بیت علیهم‌السلام مصداق بارز و کامل شعائر الهی هستند که خداوند مؤمنان را به بزرگداشت آن بزرگواران امر کرده است. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند:

نحن الشعائر والأصحاب.^۴

ما همان شعائر (الاهی) و اصحاب (رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستیم.

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. ر.ک: النهاية فی غریب الحدیث والاثار، ج ۲، ص ۴۷۹، مادة شعر.

۳. ر.ک: مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۱۶، واژه شعر.

۴. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۲۹۲؛ ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۴۵۱.

بر همین اساس صاحب کتاب ارزشمند مکیال المکارم می فرماید:
منظور (از شعائر) اهل بیت علیهم السلام هستند؛ چراکه ایشان بزرگ‌ترین و
برترین نشانه‌های خداوندند و بدون تردید بزرگداشت آنچه به ایشان
انتساب دارد بزرگداشت آن بزرگواران است.^۱

بی‌شک حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از اهل بیت علیهم السلام و
بزرگ‌ترین اعلام دین و نشانه‌های خداوند است و اقامه‌ی عزا و
سوگواری بر آن حضرت از مصادیق روشن تعظیم شعائر الهی است.
چنان‌که مرحوم آیت الله سید عبدالحسین طیب نیز در تفسیر اُطیب
البیان به این مطلب تصریح کرده، می‌نویسد:

هرچه نشانه و علامت دین و ایمان است جزء شعائر الهی است و از
همین قبیل است... مجالس موعظه... و سوگواری.^۲

در نتیجه اقامه‌ی عزا بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام از باب تعظیم شعائر
امری ضروری است؛ چراکه خداوند مؤمنان را بدان خوانده و آن را از
تقوای دل‌ها شمرده است.

احیای امر اهل بیت علیهم السلام

ائمه اهل بیت علیهم السلام همواره بر احیای امر خویش تأکید فراوان داشته،
شیعیان را به این امر سفارش می‌کردند. حضرت امام صادق علیه السلام به یکی

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲. تمنای ابرار، ص ۸۴ به نقل از اُطیب البیان، ج ۳، ص ۲۶۴.

از اصحاب خویش فرمودند:

يا خيثة! اقرأ موالينا السلام و أوصهم بتقوى الله العظيم و أن يعود
غنيهم على فقيرهم، و قويهم على ضعيفهم، و أن يشهد أحياءهم جناز
موتاهم، و أن يتلاقوا في بيوتهم فإن لقياهم حياة لأمرنا ثم رفع يده
فقال: رحم الله من أحيأ أمرنا.^۱

ای خیثمه! به پیروان و دوستان ما سلام برسان و ایشان را به تقوای
خدای عظیم سفارش کن و اینکه توانگران از فقیران و قدرتمندان از
ناتوانان دستگیری کنند. زندگان در مراسم تجهیز و تشییع مردگان
حاضر شوند و برای دیدار و ملاقات هم به منزل یکدیگر بروند؛ چراکه
دیدار آنان از یکدیگر سبب زنده شدن امر ما می‌گردد. سپس (امام
صادق علیه السلام) دست (مبارک) خویش را بالا بردند و فرمودند: خدا رحمت
کند کسی را که امر ما را زنده می‌کند.

براساس این حدیث شریف، که به سندهای متعددی نقل شده
است، احیا کننده امر اهل بیت علیهم السلام از سوی امام صادق علیه السلام مورد ترحیم
قرار گرفته و یقیناً مشمول رحمت الهی خواهد شد. در این حدیث که
بیانگر اهمیت احیای امر اهل بیت علیهم السلام است برخی مصادیق آن ذکر
شده است. یکی دیگر از مصادیق احیای امر اهل بیت علیهم السلام گرد هم آمدن
شیعیان و یاد کردن ایشان از خدا و حجت‌های اوست. حضرت امام
صادق علیه السلام به داود بن سرحان فرمودند:

۱. قرب الإسناد، ص ۳۲؛ الاختصاص، ص ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۲۳.

یا داود! ابلغ موالی عنی السلام و انی أقول رحم الله عبداً اجتمع مع آخر فتذاکرا أمرنا، فإن تالتهما ملک یتستغفر لهما و إن اجتمعتم فاشتغلوا بالذکر... فإن فی اجتماعکم و مذاکر تکم إحياء لأمرنا. و خیر الناس من بعدنا من ذاکر بأمرنا و دعا إلی ذکرنا.^۱

ای داوود! به دوستداران ما از جانب من سلام برسان و (به ایشان برسان که) من می‌گویم: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که با دیگری گرد هم آید و به مذاکره امر ما بپردازد؛ پس به راستی که سومین نفر آنها فرشته‌ای است که برای آن دو آموزش می‌طلبد، و هرگاه اجتماع کردید به ذکر ما مشغول شوید... چراکه در گردهمایی‌ها و مذاکرات شما احیای امر ماست و بهترین مردم پس از ما کسی است که درباره امر ما مذاکره کند و دیگران را به یاد ما فراخواند.

در این حدیث شریف ضمن یادآوری اهمیت احیای امر و ذکر اهل بیت علیهم‌السلام تأکید شده است که شیعیان در اجتماعات خود و هرگاه که گردهم می‌آیند به ذکر خدای تعالی و ذکر اهل بیت علیهم‌السلام مشغول باشند.

توجه به این نکته ضروری است که ذکر اهل بیت علیهم‌السلام و احیای امر ایشان تنها طریق توجه به خداوند است زیرا آن بزرگواران تنها دعوت کنندگان به راه خدای تعالی هستند و خداوند به تذکار ایشان شناخته و عبادت می‌شود. ائمه علیهم‌السلام راهنمایان به سوی خدایند و اگر ایشان نبودند

۱. الأملی للطوسی، ص ۲۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۴.

خداوند عبادت نمی شد^۱ بدین روی ذکر اهل بیت علیهم السلام ذکر خدا به شمار می آید. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

شیعتنا الرحماء بینهم، الذین اذا خلوا ذکروا الله، إن ذکرنا من ذکر الله؛
إذا ذکرنا ذکر الله و إذا ذکر عدونا ذکر الشیطان.^۲

شیعیان ما در بین خودشان با یکدیگر مهربانند. ایشان کسانی هستند که هرگاه خلوت کنند خدا را یاد می کنند. به درستی که یاد ما از یاد خداوند است و هرگاه ما یاد شویم، خدا یاد می شود و هرگاه دشمنان ما یاد شوند شیطان یاد می شود.

در حدیث دیگری از حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

ما اجتمع قوم فی مجلس لم یذکروا الله و لم یذکرونا إلا کان ذلك
المجلس حسرة علیهم یوم القیامة ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من
ذکر الشیطان.^۳

هیچ گروهی در مجلسی که از خدا و از ما یاد نمی شود گردهم نمی آیند مگر آنکه آن مجلس در روز قیامت برای آنان موجب حسرت خواهد بود یاد ما از یاد خدا و ذکر دشمنان ما از یاد شیطان است.

در نتیجه شیعیان باید در اجتماعات خود از خدا و اهل بیت علیهم السلام یاد کنند و از مجالسی که از یاد خدا و حجت های او خبری نیست اجتناب

۱. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵؛ التوحید، ص ۱۵۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳. عدة الداعی، ص ۲۵۶.

ورزند. ابوالاسود دثلی می گوید:

روزی نزد ابوعمر بن العلاء نشسته بودیم که سخن از سید اسماعیل حمیری به میان آمد، در این هنگام سید وارد شد و در جمع ما نشست، مدتی گذشت و بحث و گفتگو به کشت و کار و سخن از درخت خرما و... کشیده شد. ناگاه سید برخاست که مجلس را ترک کند. به او گفتیم: ای اباهاشم! برای چه برخاستی و چرا قصد ترک این مجلس را داری؟ سید در پاسخ این اشعار را سرود:

إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ أَطِيلَ بِمَجْلِسٍ لَا ذَكَرَ فِيهِ لِفَضْلِ آلِ مُحَمَّدٍ
لَا ذَكَرَ فِيهِ لِأَحْمَدَ وَ وَصِيَّهِ وَ بَنِيهِ ذَلِكَ مَجْلِسٌ نَظْفَ رَدَى
أَنْ أَلْذَى يَنْسَاهُمْ فِي مَجْلِسٍ حَتَّى يَفَارِقَهُ لِعَبْرِ مَسَدِّ أ

(ترجمه): من خوش ندارم در مجلسی که یادی از فضائل آل محمد علیهم السلام نباشد زیاد بنشینم مجلسی که در آن از احمد علیه السلام و وصی او علیه السلام و فرزندان علیهم السلام یادی نباشد (زیرا) آن مجلس پست و پلید است. به راستی آن کس که در مجلسی بنشیند و هیچ یادی از خاندان پیامبر علیه السلام نکند، بر صراط مستقیم نیست و هدایت نشده است.

یکی از اجتماعاتی که در راستای احیای امر اهل بیت علیهم السلام می توان برپا کرد. مجالس عزا در مصائب جانسوز حضرت سیدالشهداء علیه السلام است. در این مجالس ضمن سوگواری بر سید و سالار شهیدان، تقویت یاد خدا، یادآوری وظایف بندگی، توجه دادن به شأن و جایگاه امامان علیهم السلام در نیل بندگان به مسیر عبودیت، بهره گیری از تعالیم نورانی

۱. الأغانی، ج ۷، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

اهل بيت عليه السلام و احیای امر اهل بیت عليه السلام صورت می گیرد.
در حدیثی مسموع بن عبدالملک کردین بصری می گوید حضرت
امام صادق عليه السلام به من فرمودند:

یا مسمع! أنت من أهل العراق أما تأتي قبر الحسين عليه السلام? قلت: لا، أنا
رجل مشهور عند أهل البصرة و عندنا من يتبع هوى هذا الخليفة و
عدونا كثير من أهل القبائل من النصاب و غیرهم و لست آمنهم أن
يرفعوا حالي عند ولد سليمان فيمثلون بي. قال لي: أفما تذكر ما صنع
به؟ قلت: نعم. قال: فتجزع؟ قلت: اي والله وأستعبر لذلك حتى يرى
أهلي أثر ذلك علي. فأمتنع من الطعام حتى يستبين ذلك في وجهي.
قال: رحم الله دمعك، أما إنك من الذين يعدون من أهل الجزع لنا
والذين يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يخافون لخوفنا و يأمنون
إذا أمنا. أما إنك ستري عند موتك حضور آبائي لك و وصيتهم ملك
الموت بك و ما يلقونك به من البشارة أفضل و لملك الموت أرق عليك
وأشد رحمة لك من الأم الشفيقة علي ولدها؛^۱

ای مسمع! تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین عليه السلام
می روی؟ عرض کردم: نه، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و
نزد ما کسانی هستند که دنبال خواسته های خلیفه هستند. اهل قبائل؛
چه ناصبها و چه غیر ایشان که با ما دشمنند، بسیارند و از شکایت
اینان نزد خاندان سلیمان (ابن عبدالملک) در امان نیستیم. و با گزارش

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۱.

زیارت رفتن من، مرا قطعه قطعه می‌کنند. از این رو احتیاط می‌کنم و به
 زیارت آن حضرت نمی‌روم. حضرت به من فرمودند: آیا یاد می‌کنی
 مصائبی را که بر آن جناب وارد شده و آزار و اذیت‌هایی که به حضرتش
 روا داشته شده است؟ عرض کردم: بلی. حضرت فرمودند: آیا جزع و
 بی‌تابی می‌کنی؟ عرض کردم: بلی، به خدا قسم و به خاطر یاد کردن
 مصائب آن بزرگوار چنان اشک می‌ریزم که اهل و عیالم اثر آن را در من
 مشاهده می‌کنند و چنان حالم دگرگون می‌شود که از خوردن غذا امتناع
 می‌کنم و به وضوح علائم حزن و اندوه در صورتم نمایان می‌گردد.
 حضرت فرمودند: خدا رحمت کند اشک‌های تو را (یعنی خدا به واسطه
 این اشک‌ها تو را رحمت کند). آگاه باش! که تو از کسانی محسوب
 می‌شوی که به خاطر ما جزع می‌کنند، و به واسطه سرور و فرح ما
 مسرور می‌شوند و به خاطر حزن ما محزون می‌گردند و به جهت خوف
 ما ترسان و به هنگام ایمنی (آرامش و سکون) ما در امان هستند. آگاه
 باش! همانا هنگام مرگ، اجداد ما را نزد خود خواهی دید که به فرشته
 مرگ سفارش تو را خواهند کرد و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و
 بالاتر از هر چیزی است. و به یقین (خواهی دید که) فرشته مرگ نسبت
 به تو، از مادر مهربان نسبت به فرزندش، مهربان‌تر و رحیم‌تر خواهد بود.
 مسمع می‌گوید: سپس حضرت گریستند و اشک‌های مبارکشان
 جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، سپس حضرت فرمودند:
 الحمد لله الذي فضّلنا على خلقه بالرحمة و خصّنا أهل البيت بالرحمة.
 یا مسمع! إن الارض والسماء لتبکی منذ قتل أمير المؤمنين عليه السلام رحمة

لنا، و ما بکی لنا من الملائكة أكثر و مارقأت دموع الملائكة منذ قتلنا.
و ما بکی أحد رحمة لنا و لما لقینا إلا رحمہ الله قبل أن تخرج الدمعة
من عينه. فإذا سالت دموعه على خذّه فلو أنّ قطرة من دموعه سقطت
في جهنّم لأطفأت حرّها حتّى لا يوجد لها حرّ. و إنّ المومج لنا قلبه
ليفرج يوم يرانا عند موته فرحة لا تزال تلك الفرحة في قلبه حتّى يرد
علینا الحوض. و إنّ الكوثر ليفرح بمحبّتنا إذا ورد عليه حتّى أنّه ليذيقه
من ضروب الطعام ما لا يشتهي أن يصدر عنه. يا مسمع! من شرب منه
شربة لم يظمأ بعدها أبداً و لم يستق بعدها أبداً...؛
أما إنك يا بن كردين! ممن تروی منه. و ما من عين بکت لنا الا نعمت
بالنظر الى الكوثر؛^۱

سپاس خدایی را که ما را به رحمت خودش مخصوص گردانید و بر
مخلوقاتش برتری داد. ای مسمع! از هنگامی که امیرالمؤمنین ع
شہید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم می‌کنند و می‌گریند و موجودی
بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک هایشان پیوسته
جاری است و هرگز قطع نمی‌شود. (آگاه باش!) احدی به خاطر ترحم به
ما و به جهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی‌کند، مگر آنکه قبل از
آمدن اشک شامل رحمت الاهی خواهد شد و وقتی اشک‌ها بر
گونه‌هایش جاری گشت (به خاطر جایگاه با عظمت این اشک در نزد
پروردگار) اگر یک قطره از آن در جهنم بیفتد حرارت و آتش آن را

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۲.

خاموش و آرام می‌کند که دیگر برای آن حرارتی باقی نمی‌ماند. کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که مرگش فرا برسد و ما را مشاهده کند سرور و نشاطی برایش پیدا می‌شود که پیوسته این سرور در او هست تا در کنار حوض بر ما وارد گردد. وهنگامی که محب و دوستدار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود، سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا می‌شود تا آنجا که انواع و اقسام غذاها را به او چشاند که (از لذت آن) وی مایل نیست از کنار حوض فاصله بگیرد.

ای مسمع! کسی که از آن حوض یک جرعه بیاشامد هرگز بعد از آن تشنه نخواهد شد و هرگز در طلب آب نخواهد بود...

آگاه باش، ای فرزند کردین! تو از کسانی هستی که از آن حوض سیراب می‌شوی و چشمی که برای ما گریه کند؟ به یقین با نگاه به کوثر متنعم می‌گردد.

در این حدیث شریف به روشنی بر اهمیت گریه و بی‌تابی به خاطر مصائب وارد شده بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام تأکید و ثواب و آثار زیادی بر محزون بودن و اشک ریختن در مصائب اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است.

مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام چنان جانسوز است که غم و اندوه ناشی از آن بر هر شادایی سایه افکنده و سینه دل سوختگان آن حضرت تا قیام منتقم آل محمد علیهم السلام تشفی نخواهد یافت.

در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است:

لما قتل الحسين علیه السلام سمع أهلنا قائلاً يقول بالمدینة: اليوم نزل البلاء

على هذه الأمة فلا ترون فرحاً حتى يقوم قائمكم فيسفي صدوركم و
يقتل عدوكم و ينال بالوتر أو تاراً.^۱

هنگامی که امام حسین علیه السلام کشته شد، اهل ما شنیدند که گوینده‌ای
در مدینه می‌گوید: امروز بلا بر این امت نازل شده و دیگر سرور و
شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه‌ها را با
قیامش شفا دهد و دشمنان شما را بکشد و انتقام آن تنها مانده‌ای را که
خونش قصاص نشد، بگیرد.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز به این حقیقت تصریح کرده و
فرموده‌اند:

ولا يزال شيعتنا في حزن حتى يظهر ولدي الذي بشر به النبي صلى الله عليه وآله.^۲
و (از این پس) شیعیان ما همواره در حزن خواهند بود تا وقتی که
فرزندم مهدی، که پیامبر صلى الله عليه وآله به او بشارت داده است، ظاهر شود.

مجالس عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام، بهشت شیعیان

بر اساس آنچه گذشت مجالس عزای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام
مصدق روشن مجالس ذکر و احیای امر اهل بیت علیهم السلام است و بر اساس
احادیث خدای متعال به این مجالس بر فرشتگان مباهات می‌کند و
رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را باغی از باغ‌های بهشت معرفی کرده است.
حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

۱. کامل الزیارات، ص ۳۳۶.

۲. المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۶.

ما اجتمع اثنان على ذكرنا إلا باهى الله تعالى بهما الملائكة.^۱
هیچ دو نفری بر یاد ما گردهم نمی‌آیند مگر آنکه خداوند به آنها بر
فرشتگان مباحثات می‌کند.
و رسول خدا ﷺ فرمودند:

إذا مررتم في رياض الجنة فارتعوا قالوا: يا رسول الله! و ما رياض
الجنة؟ قال: حلق الذكر، فإنَّ لله سيَّارات من الملائكة يطلبون حلق
الذكر فإذا أتوا عليهم حقَّوا بهم.^۲

هرگاه از باغ‌ها و سبزه زارهای بهشتی عبور کردید، پس در آن به
وسعت و راحتی روزی ببرید. گفتند: ای رسول خدا! باغ‌های بهشتی
کدامند؟ فرمودند: حلقه‌های ذکر، پس همانا برای خداوند فرشتگان سیر
کننده‌ای است که در پی حلقه‌های ذکر هستند. پس هرگاه نزد ایشان
آیند، آنان را دربر می‌گیرند و احاطه می‌کنند.

با توجه به این حدیث نورانی اسم «روضه» برای مجالس عزاداری
حضرت سیدالشهداء علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اسم با مسمایی است که در
میان دل سوختگان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام رایج شده است.

ثواب و آثار گریه در مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام

ثواب و آثار گریه در مصائب جانسوز حضرت ابا عبدالله

۱. الأملی للطوسی، ص ۲۲۴.

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۵؛ منیة المرید، ص ۱۰۶.

الحسین علیه السلام چنان حیرت آور است که هیچ مومنی پس از شنیدن و خواندن احادیث مربوط به آن، در ضرورت برپائی مجالس عزاء در سوگ سید الشهداء علیه السلام هرگز تردید نمی کند.

براساس احادیث، گریه و بی تابی کردن در هر پیشامد و مصیبتی که بنده به سبب آن جزع کند مکروه و ناخوشایند است؛ در مقابل جزع و بی تابی بر مصائب امام حسین نه تنها مکروه نیست بلکه حزن و اندوه و جزع در مصائب اهل بیت علیهم السلام ثواب و آثار فراوانی دارد. در حدیثی آمده است:

إِنَّ الْبِكَاءَ وَالْجَزْعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَاءَ الْبِكَاءِ وَالْجَزْعِ
عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ.^۱

به درستی گریه شدید و جزع برای بنده در هر آنچه بی تابی کند مکروه است به جز گریه و جزع برای امام حسین علیه السلام که جزع کننده در آن مأجور است.

حضرت امام رضا علیه السلام به ابن شیبیب می فرماید:

إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعْنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحَزْنِنَا
وَافْرَحْ لِفِرْحَانَا وَعَلَيْكَ بَوْلَا يَتْنَا.^۲

اگر می خواهی در درجات بالای بهشت با ما باشی، پس به سبب شادمانی ما شاد باش و از حزن ما محزون شو و بر تو باد به ولایت ما...

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۰.

۲. الامالی للصدوق، ص ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

در روایت مسمع بن عبدالملک کردین بصری که پیشتر در ذیل عنوان «احیای امر اهل بیت علیهم السلام» گذشت، آثار فراوانی برای گریه و حزن در مصائب اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است از جمله:

۱. حضور اهل بیت علیهم السلام بر بالین شیعه‌ای که به واسطه سرور اهل بیت علیهم السلام مسرور و به خاطر حزن آن بزرگواران محزون می‌شود.

۲. سفارش او به فرشته مرگ و دادن بشارتی که از هر چیزی برای او بالاتر و برتر است.

۳. مهربانی فرشته مرگ با او.

۴. شمول رحمت الهی پیش از جاری شدن اشک نسبت به کسی که به خاطر ترحم بر اهل بیت علیهم السلام و در مصائب ایشان اشک می‌ریزد.

۵. خاموش و آرام شدن آتش و حرارت جهنم در صورت ریخته شدن یک قطره از اشکی که در مصائب اهل بیت علیهم السلام جاری شده است.

۶. سرور و شادمانی خاصی که در کنار حوض کوثر برای دوستدار اهل بیت علیهم السلام پیدا می‌شود.

و...

در حدیث شریف دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

من تذکر مصابنا و بکی لما ارتکب متا کان معنا فی درجتنا یوم
القیامة و من ذکر بمصابنا فبکی و أبکی لم تبک عینه یوم تبکی
العیون. و من جلس مجلساً یحیی فیہ أمرنا لم یمت قلبه یوم تموت
القلوب.^۱

۱. الامالی للصدوق، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

هرکس مصائب ما را به یاد آورد و بر آنچه (از ظلم) نسبت به ما مرتکب شده‌اند گریه کند در روز قیامت به همراه ما و در درجه ما خواهد بود. و هرکس مصائب ما را یادآوری و بیان کند و بگیرد و بگیراند در روزی که چشم‌ها گریان خواهند بود نخواهد گریست. و هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر ما احیا می‌شود در روزی که قلب‌ها می‌میرند، قلب او نخواهد مرد.

حضرت امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمودند: (پدرم) علی بن

الحسین علیه السلام می‌فرمودند:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ
عَلَى خَدَّهِ بَوَّاهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا وَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ
عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّيهِ فِيمَا مَسَّنَا مِنَ الْأَذَى مِنْ عَدُوِّنَا فِي الدُّنْيَا
بَوَّاهُ اللَّهُ مَنْزِلَ صَدَقٍ وَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَذَى فِينَا دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى
تَسِيلَ عَلَى خَدَّهِ مِنْ مَضَاضَةٍ أَوْ أَدَّى فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَن وَجْهِهِ الْأَذَى وَ
آمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِ النَّارِ.^۱

هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی علیه السلام قطره‌ای اشک بریزد تا آنکه آن قطره اشک بر گونه‌اش جاری گردد خداوند به سبب آن قطره اشک مؤمن را در غرفه‌هایی از بهشت ساکن می‌سازد که سکونت در آن دائمی است و هر مؤمنی که چشمانش (در مصیبت امام حسین علیه السلام) اشک بریزد و اشک‌اش بر گونه‌هایش جاری شود، به

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۳.

خاطر آزاری که از سوی دشمنان ما در دنیا به ما رسیده است، خداوند او را در جایگاه صدق جای می‌دهد و هر مؤمنی که در راه ما آزاری به وی برسد و به خاطر سختی یا اذیتی که در راه ما دیده است چشمانش گریان شود تا اینکه اشک بر گونه‌اش جاری شود خداوند اذیت را از روی او برطرف می‌سازد و در روز قیامت او را از سخط آتش ایمن می‌گرداند. در حدیث شریف دیگری آمده است:

سمعت علی بن الحسین علیه السلام يقول: من قطرت عیناه فینا قطرة و دمعت عیناه فینا دمعة بواه الله بها فی الجنة عرفاً یسکنها أحقاباً أحقاباً.^۱

شنیدم حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرمودند: هرکس که چشمانش در (مصائب ما) یک قطره اشک بریزد و چشمانش در (مصائب ما) گریان شود خداوند به سبب آن گریه و اشک او را در غرفه‌هایی از بهشت وارد می‌سازد که پیوسته در آن سکونت دارد.

در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که به ابوهارون فرمودند:

یا أباهارون أنشدني فی الحسین علیه السلام قال: فنشدته فبکی. فقال: أنشدنی کما تنشدون یعنی بالرقّة قال فأنشدته:

امرر علی جدث الحسین فقل لأعظمه الزکیّة
قال فبکی ثمّ قال زدنی قال فأنشدته القصیدة الأخری قال فبکی و

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۰.

سمعت البكاء من خلف الستر. قال فلماً فرغت قال لي: يا باهارون من أنشد في الحسين عليه السلام شعراً فبكي وأبكي عشرأ كتبت له الجنة و من أنشد في الحسين شعراً فبكي وأبكي خمسة كتبت له الجنة و من أنشد في الحسين شعراً فبكي وأبكي واحداً كتبت لهما الجنة و من ذكر الحسين عليه السلام عنده فخرج من عينه (عينيه) من الدموع مقدار جناح ذباب كان ثوابه على الله و لم يرض له بدون الجنة.^۱

ای ابوهارون درباره امام حسین عليه السلام برای من شعر (نوحه) بخوان. (ابوهارون) گفت: برای ایشان شعر خواندم و آن حضرت گریستند و باز هم فرمودند برایم شعر بخوان چنان که برای رقت قلب شعر خوانده می شود (ابوهارون) گفت: پس برای ایشان این شعر را خواندم:

بر مزار امام حسین عليه السلام گذر کن

پس به استخوان های پاک و مطهرش بگو
(ابوهارون) گفت: پس امام صادق عليه السلام گریستند و سپس فرمودند: بیشتر برایم بخوان (ابوهارون) گفت: قصیده دیگری برای ایشان خواندم پس آن حضرت گریستند و از پشت پرده نیز صدای گریه شنیدم. ابوهارون گفت: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند: هرکس در مرثیه امام حسین عليه السلام شعری بخواند و بگیرد و ده نفر را بگیراند بهشت برای او واجب می شود و هرکس در مرثیه امام حسین عليه السلام شعری بخواند و بگیرد و پنج نفر را بگیراند بهشت برای او واجب می شود و

۱. همان، ص ۱۰۴.

هرکس در مرثیه امام حسین علیه السلام شعر بخواند و بگیرد و یک نفر را بگیراند برای هر دوی آنها بهشت واجب می‌شود و هرکس که نزد وی از امام حسین علیه السلام یاد شود و از چشم او به اندازه بال مگسی اشک خارج گردد ثواب او بر خدای عزوجل خواهد بود و خداوند به کمتر از بهشت برای وی رضایت نمی‌دهد.

و در روایت دیگری فرمودند:

من ذکرنا عنده ففاضت عیناه و لو مثل جناح بعوضة غفر له ذنوبه و لو كانت مثل زبد البحر.^۱

هرکس که نزد وی از ما ذکر کند به میان آید و چشمانش ولو به اندازه بال پشه‌ای اشک آلود شود گناهانش آمرزیده می‌شود هرچند (در فراوانی) همچون کف روی آب دریا باشد.

و نیز روایت شده است:

من ذکرنا عنده ففاضت عیناه حرّم الله وجهه علی النار.^۲

هرکس که نزد وی از ما یاد شود و چشمانش اشک آلود گردد خداوند روی او را بر آتش حرام می‌کند.

احادیث درباره بهشتی شدن گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام و حرمت آتش جهنم بر آنان فراوان است. براساس این احادیث اقامه عزای گریه بر مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام گناهان را به هر اندازه‌ای که

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۳.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۰۴.

باشند، پاک می‌کند؛ چرا که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام برای گریه کننده‌های خویش استغفار می‌کند. در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

إِنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ بَرزقون و يحبرون و إِنَّهُ لَعَنَ يَمِينَ الْعَرْشِ مَتَّعَلِّقٌ بِهِ يَقُولُ: يَا رَبِّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي و إِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زُورَارِهِ و إِنَّهُ أَعْرَفَ بِهِمْ و بِأَسْمَائِهِمْ و أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ و مَا فِي رِحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بَوْلْدَةٍ و إِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ و يَسْأَلُ أَبَاهُ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ و يَقُولُ أَيُّهَا الْبَاكِي لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لَفَرَحْتَ أَكْثَرَ مِمَّا حَزَنْتَ و إِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ و خَطِيئَةٍ.^۱

به راستی که امام حسین علیه السلام به همراه پدر و مادر و برادرش علیه السلام در (بهشت در) منزل رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ساکن‌اند و همراه ایشان از نعمت‌ها ارتزاق می‌کنند و شادمان هستند و همانا آن حضرت از سمت راست عرش که در آنجا قرار گرفته است، می‌فرماید: ای پروردگار آنچه را به من وعده داده‌ای جامه عمل ببوشان. به درستی که امام حسین علیه السلام به زائران خویش می‌نگرد و به آنان و نام هایشان و نام پدران‌شان و آنچه در بُنه دارند آشناتر است از آشنایی هر یک از ایشان نسبت به فرزند خویش و به درستی که امام حسین علیه السلام به کسانی که بر ایشان می‌گریند (به رحمت) نظر می‌کند و برای او آمرزش می‌طلبد و از پدرش

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۰۳.

می‌خواهد که برای او استغفار کند و می‌فرماید: ای گریه کننده اگر می‌دانستی خداوند چه چیزی برای تو فراهم ساخته قطعاً شادمانی تو بیشتر از حزنات می‌شد و به راستی امام حسین علیه السلام برای گریه کننده خویش از هر گناه و خطایی استغفار می‌کند.

در این حدیث شریف لطف و عنایت حضرت سیدالشهداء علیه السلام بر گریه کنندگان در مصائب حضرتش به روشنی بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. گریه کنندگان بر سالار شهیدان و کسانی که برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام عزاداری می‌کنند از عنایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز بهره‌مند هستند. مرحوم علامه مجلسی در باب ثواب گریه بر مصائب امام حسین علیه السلام می‌نویسد:

روی أنه لما أخبر النبي صلی الله علیه و آله ابنته فاطمة بقتل ولدها الحسين و ما یجری علیه من المحن بکت فاطمة بکاء شديداً و قالت یا أبه متی یکون ذلك قال فی زمان خال منی و منك و من علی فاشتدّ بکاءها و قالت یا أبه فمن یبکی علیه و من یلتزم بإقامة العزاء له فقال النبي یا فاطمة إن نساء أمتی یبکون علی نساء أهل بیتی و رجالهم یبکون علی رجال أهل بیتی و یجددون العزاء جیلاً بعد جیل فی کلّ سنة فإذا کان القيامة تشفعین أنت للنساء و أنا أشفع للرجال و کلّ من بکی منهم علی مصاب الحسين أخذنا بیده و أدخلناه الجنة یا فاطمة کلّ عین باکیه یوم القيامة إلا عین بکت علی مصاب الحسين فإنها ضاحکة مستبشرة بنعيم الجنة.^۱

روایت شده است که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دختر خود (حضرت) فاطمه علیها السلام از کشته شدن فرزندش امام حسین علیه السلام و محنت‌هایی که بر

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

او وارد می‌شود، خبر داد. حضرت فاطمه علیها السلام به شدت گریه کرد و عرضه داشت: پدر جان! این مصائب در چه زمانی واقع خواهد شد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در زمانی که من و تو و علی علیه السلام در دنیا نباشیم. در اینجا گریه حضرت فاطمه علیها السلام شدیدتر شد و عرض کرد: پدرجان! پس چه کسی برای فرزندم گریه می‌کند و به برپایی عزا برای ایشان ملتزم خواهد شد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه! به درستی که زنان امت من بر زن‌های اهل بیتام و مردان ایشان بر مردان اهل بیتام گریه خواهند کرد و نسلی بعد از نسل دیگر در هر سال عزاداری را تجدید خواهند کرد پس چون قیامت فرا رسد تو برای زن‌ها و من برای مردان شفاعت می‌کنیم و هریک از آنان را که بر مصائب امام حسین علیه السلام گریه کرده است دستش را می‌گیریم و او را وارد بهشت می‌کنیم. ای فاطمه! هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر مصائب امام حسین علیه السلام گریسته باشد پس او به نعمت‌های بهشت بشارت داده شده و خندان خواهد بود.

درباره گریان بودن همه چشم‌ها در قیامت به جز چشمانی که برای حضرت سیدالشهداء اشک ریخته است روایات فراوانی وجود دارد. از جمله در ضمن حدیث شریف اربعمائه آمده است:

كُلَّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَاكِيَةٌ وَكُلَّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَاهِرَةٌ إِلَّا عَيْنَ مَنْ
اخْتَصَّهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ وَبِكَيْ عَلِيٍّ مَا يَسْتَهْكَ مِنَ الْحُسَيْنِ وَآلِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

همه چشم‌ها در روز قیامت گریان هستند و همه چشم‌ها در روز قیامت بی‌خواب خواهند بود مگر چشمی که خداوند به کرامت خویش

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۵.

مخصوص گردانیده و بر رنج هایی که بر امام حسین و آل محمد علیهم السلام روا داشته شده گریه کرده است.

آنچه گذشت گوشه هایی از آثار گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام بود که درک میزان آن برای بشر عادی ممکن نیست و اساساً نمی توان برای آن نهایتی در نظر گرفت. در روایتی از امام صادق علیه السلام به این حقیقت تصریح شده است. در کامل الزیارات می نویسد:

و روی عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لكل شيء ثواب إلا الدمعة فينا.^۱

و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: برای هر چیزی ثواب (معینی) وجود دارد مگر گریه در (مصائب) ما.

مرحوم علامه مجلسی در ذیل این حدیث شریف می فرماید:

أى لكل شيء من الطاعة ثواب مقدر إلا الدمعة فيهم فإنه لا تقدير لثوابها.

یعنی برای هر چیزی از طاعات ثواب تقدیر شده‌ای هست مگر گریه در مصائب آن بزرگواران که اندازه‌ای برای ثواب آن مشخص نشده است. به راستی هیچ عاقلی در اقدام به آنچه ثوابش بی اندازه است به خود تردید راه می دهد؟ و هیچ مؤمنی با شنیدن این احادیث نورانی در ضرورت برپایی مجالس عزا در مصائب سیدالشهداء علیهم السلام دچار شک می شود؟

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۶.

ایجاد امیدواری و رهایی از یأس

امیدی که گریه و عزا در مصائب سیدالشهداء علیهم السلام برای بنده مؤمن ایجاد می‌کند و او را از ناامیدی به درگاه الهی می‌رهاند یکی دیگر از اموری است که ضرورت برپایی مجالس عزا در مصائب سیدالشهداء علیهم السلام را به خوبی روشن می‌سازد.

بدون تردید یأس و ناامیدی از رحمت الهی سبب دوری و گریزان شدن بنده از خدا می‌شود. لذا ایجاد یأس از دام‌های شیطان و ناامیدی موجب هلاکت بندگان است. از سوی دیگر تکیه بر رحمت خدا تا آنجا که سبب لابیالی‌گری و جرأت بر گناه شود نیز بنده را به هلاکت می‌کشاند. بر همین اساس راه کار دین برای تربیت بندگان و حفظ آنان در مسیر بندگی قرار دادن آنها در حالت خوف و رجاء است.

بنده مؤمن با نظر در کردار خویش به کاستی و تقصیر در عمل به وظایف بندگی خود پی می‌برد و از نجات و رسیدن به سعادت مأیوس و ناامید می‌گردد و خوف از گرفتار آمدن به آتش خشم الهی او را مضطرب می‌سازد و آنگاه که به رحمت الهی نظر می‌کند و از بهانه‌های خدای مهربان برای آمرزش بندگان آگاه می‌گردد، امید به نجات در او پدید می‌آید و او را به آغوش رحمت الهی باز می‌گرداند.

یکی از بهانه‌های خداوند برای بخشش بندگان و وارد کردن آنها به بهشت گریه بر مصائب حضرت سیدالشهداء علیهم السلام و اقامه عزا برای آن حضرت است. مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتری ایجاد و امید به رحمت الهی پس از یأس به سبب تقصیر در وظایف بندگی را در مقدمه

کتاب الخصائص الحسينیه به زیبایی بیان فرموده است، لذا ذکر خلاصه‌ای از آن برای روشن شدن مطلب بسیار مناسب به نظر می‌رسد. ایشان می‌فرماید:

اما بعد: چنین گوید بنده حقیر جعفر بن حسین شوشتری (عفی الله عنهما) که چون دیدم زمان پیری رسید و ایام جوانی گذشت، اساس بدن را از هر طرف شکست آمده، و عمر از شصت گذشته، نه از آن حاصلی دیده، و نه ثمری چیده، و نه فایده‌ای برده، عن قریب است که آینده نیز بر همین وتیره [و منوال] خواهد گذشت، پس با نفس گناهکار غافل خطاب نمودم که: وای بر تو، تا کی غافل؟... تا کی بطالت و کسالت؟ چشم بگشا و نظر کن، که روزی در پیش داری تاریک، و راهی باریک، گوش خود بگشا و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را بشنو که می‌فرماید: «ای پیر محاسن سفید، چگونه خواهی بود وقتی که طوق‌های آتش به استخوان گردنت چسبند، و غل جامعه گوشت بازویت را خورد»^۱.
باز دیدم نفس از این همه صیحه و ندا به حرکت نیامد، پس مرا گمان شد که مرده است، به حال او گریان و نالان شدم، و بر فقد عمر عزیز نوحه سرا گشتم و گفتم:

در معاصی شد همه عمرت تباه قامتت خم گشت از بار گناه
موی تو در روسیاهی شد سفید یعنی از رو قاصد مرگت رسید
پس اندکی نفس کشید که مرا امیدى به حیات او شد، آنگاه به نرمی

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام ۳/۵۹۸ خطبه ۱۸۲.

گفتم: آخر بر خود رحم کن و به فریاد خود برس، در این نفس آخر توشه‌ای بردار و فرصت غنیمت شمار، پیش از آنکه اجل به سر آید، و مرگ به در آید، و باب توبه مسدود گردد... از کجا چنین یقین از برای تو حاصل است، و خاطرت جمع است که تو از اهل نجات خواهی بود؟ چون نفس شوم این سخن سخت را شنید، اندکی از جای خود جنبید و قدری ملتفت گردید، پس از برای تقویت و تحریک او به سوی طلب کمال و خلاص از وبال، اسباب خوف و رجا را که به منزله دو بالند، به یاد او آوردم، به این تفصیل:

اسباب خوف و رجا

اول سبب خوف: آن است که دیدم مدار قبول اعمال و نجات از احوال، تماماً بر ایمان است، و از آن در خود هیچ اثری نیافتم، نه از کامل و نه از ناقصش، بلکه از ادنی درجه آن، که عبارت است از اینکه، شخص هرگاه گناهی کند بدحال شود، فضلاً از اعلی درجه آن که شخص در حال ذکر خدا از شوق، مشرف بر موت گردد، و ندیدم در خود از اجزاء ایمان... و نظر نمودم در اخلاق حمیده که از آثار ایمان است، اضداد آن را در خود یافتیم، و در اعمال صالحه: آنقدر شرایط از برای قبول آن است که در تمام عمر خود را موفق به تحصیل آنها ندیده‌ام. پس از شدت خوف، نزدیک شد که یأس و قنوط^۱ بر من دست

۱. ناامیدی.

دهد، پس تدارک آن نمودم، به حالت دوم از برای رجا، نظر کردم به سوی فضایل الهی و دیدم خود را از امت حضرت رسول ﷺ و شیعه علی علیه السلام و دوستدار اهل بیت، که ایشانند راه قویم و صراط مستقیم، و پناه خلائق و کشتی نجات و شفیع عرصات. پس امیدوار به رحمت الهی گشتم، باز به حالت سوم داخل شدم، که امت نبی و شیعه وصی را علامتی است، تو را کدام اقتدا به نبی و متابعت به علی بود؟ و دوستی را آثار است کدام اثر از تو بروز نمود؟ و چون از آثار تشیع و ولاء در خود ندیدم، باز از خوف بر خود لرزیدم، و از ترس وقوع در مهلکه یأس و قنوط به حالت چهارم پناه بردم، و به نظر دقت به سوی وسائل الهی نظر نمودم، دیدم وسائلی که متعلق به حضرت سیدالشهدا علیه السلام است بیشتر و آسان تر، و اکمل و اشرف است، شرایطش کمتر و نفعش اتم و اعم است، در این باب آن جناب را خصوصیتی است که در باقی وسائل نیست، هرچند همه از یک نورند. و آن خصوصیت آن است که آن جناب: بالخصوص بابی است از ابواب بهشت، و کشتی نجات است و چراغ هدایت، هرچند آباء عظام و ابناء کرام او نیز ابواب جنان و کشتی های نجاتند، لکن باب آن حضرت وسیع تر، و کشتی او به ساحل نزدیک تر و استضاء به نور او سهل تر است، همه ایشان پناه خلقند، لکن پناه آن جناب آسان تر، و دایره او وسیع تر است.

پس نفس را خطاب نمودم که هان! داخل این درگاه شو، تا ایمن شوی، و به این کشتی درآی تا به ساحل برسی، و به این نور نظر نما تا راه رابیابی، باز این عزم را جزم نمودم و چون ملاحظه نمودم،

علامات ایمان را در این منہاج یافتیم، و به ایمان خود امیدوار گشتم... وقتی به دقت به اعمال خود نگریستم، دریافتم که به خاطر نداشتن شرایط پذیرش، به راستی نمی توان بر بیشتر آنها نام واقعی عمل را اطلاق کرد؛ مثلاً نمازم را در نظر گرفتم. نمی دانم نماز است یا نماز نیست، روزه ام نیز به همین گونه است. سایر اعمال عبادی ام نیز همین وضعیت را دارند. اما از سوی دیگر به گریه ام بر امامی که «صاحب اشک جاری» است، نظر افکندم، ملاحظه نمودم که نمی توان اسم گریه و گریاندن بر آن حضرت را از آن سلب کرد. حداقل اگر تباکی حاصل گردد به راستی که تباکی است و در روایت آمده است که «کسی که بر حسین علیه السلام گریه کند یا به گریه آورد یا خود را شبیه گریه کننده قرار دهد، بهشت بر او واجب است» و چون این نشانه های ایمان را در خود یافتیم امید و اطمینانم بیشتر شد، آنگاه حالت بعد بر من عارض گردید... ترسیدم روز قیامت حقوق مردم و مظلومی که ممکن است بر عهده من باشد، اعمال مرا ببرد و دست مرا از اعمال حسنه خالی کند و رهسپار جهنم شوم... ملاحظه این معنا که بر گریه امام حسین علیه السلام ثوابی مترتب می شود که حدی ندارد - و البته آنچه حدی ندارد زوال و نیستی نمی پذیرد؛ بنابراین هر قدر از آن بردارند، کم نخواهد شد - برایم روزه امید و دریچه اطمینانی شد...

مطلب دیگر اینکه ممکن است شخص در آن واحد به همه وسایل حسینی دست یابد که پایین ترین درجه آن تباکی بر آن حضرت است و بالاترین آن، شهادت در پیشگاهش می باشد که با حصول شهادت، در

آن واحد، اجر و مزد همه عبادت‌ها حاصل می‌شود و این چنین است که مثلاً اگر مجلسی برای ذکر مصیبت‌های حسین علیه السلام برپا شد و در آن مجلس آنچه را بر ایشان رفت یادآور شوند و در آن مجلس بگریانند و گریه کنند و تباکی و حزن و غم و اندوه حاصل شود و دل به آن حضرت توجه پیدا کند و بر او درود و سلام بفرستند و این حالت با معرفت و توجه به مقام و عظمت آن حضرت و تصور حالت ایشان و آرزوی نصرت و یاری او و شهادت در پیشگاهش باشد، چنین شخصی به ثواب تمام وسایل حسینی دست یافته و همه عبادت‌های خدا را به جا آورده و حتی به ثواب شهادت در راه خدا نائل گشته است که ما اخبار و روایاتی را که دلالت بر این امور دارد، خواهیم آورد.

علاوه بر اینها، براساس آنچه که از اخبار و روایات استنباط می‌شود، چنان مجلسی، جمیع صفات مشاهده شریفه را داراست و دارای چهارده ویژگی می‌باشد.

مجلس حسین علیه السلام

- مصلاهی خدا، یعنی محل صلوات خداوند بر اهل آن مجلس است.
- مشهد ملائکه مقرب درگاه الهی است.
- محل نیل به دعای پیامبر، علی، زهرا و مجتبی علیهم السلام است.
- مورد عنایت امام حسین علیه السلام است و به آن نظر دارند.
- محلی است که حسین علیه السلام اهل آن مجلس را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می‌گوید.

- مورد عنایت و علاقه امام صادق علیه السلام است.
 - عرفه است.
 - مشعر الحرام است.
 - حطیم است.
 - محل طواف خانه خداست.
 - قبة الحسین است.
 - خاموش کننده شعله های فروزان آتش است.
 - آبی است در بهشت به نام آب حیوان.
 - و سرانجام مجلس حسین علیه السلام از مجالسی است که اولین آن قبل از خلق عالم و آخر آن محشر است.
- و چون در این معانی تأمل و تعمق نمایی چگونه می توان تصور کرد که از این مجالس و مشاهد - با وجود این حالات و عبادات و فراهم بودن صفات - دست خالی و ناامید بیرون آیی؛ و هرچند موانعی بر سر راه تأثیرات وجود داشته باشد، اما اندکی از پایین ترین مراتب یکی از تأثیرات، برای تو کافی است.^۱

رجحان تعدد مجالس عزاداری

پیشتر از حضرت امام باقر علیه السلام حدیثی نقل شد که آن حضرت درباره اقامه عزادار روز عاشورا فرمودند:

۱. برگرفته از دو کتاب «اشک روان بر امیر کاروان» و «زیتون» دو ترجمه از کتاب الخصائص الحسینیة.

... ثمّ ليندب الحسين عليه السلام و يبكيه و يأمر من فيما داره بالبكاء عليه و يقيم في داره مصيبتته بإظهار الجزع عليه يتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت و ليعزّ بعضهم بعضاً بمصاب الحسين عليه السلام...^۱

... سپس برای امام حسین عليه السلام سوگواری کند و بگرید و هر که را در خانه اوست به گریستن بر امام حسین عليه السلام امر کند و در منزل خود با اظهار جزع بر امام حسین عليه السلام مصیبت و سوگواری حضرتش را برپا دارد و همدیگر را در خانه‌ها با گریه ملاقات کنند و به یکدیگر در مصیبتی که به امام حسین عليه السلام رسیده تعزیت گویند...

این حدیث شریف به روشنی بیانگر رجحان برپایی مجالس متعدد در سوگواری برای مصائب حضرت سیدالشهداء عليه السلام است. براساس این حدیث نورانی هر شیعه‌ای می‌بایست در خانه خود مراسم عزای سوگواری برپا کند و با اهل خانه در مصیبت جانسوز عاشورا به گریه و بی‌تابی بپردازد، همچنین شیعیان موظف اند که در این روز به خانه‌های همدیگر بروند و به یکدیگر تعزیت بگویند و بدین ترتیب کل جامعه شیعه در سوگ حضرت اباعبدالله الحسین عليه السلام یک پارچه غرق در ماتم و عزادگردد.

شرکت اهل بیت عليهم السلام در مجالس عزای حضرت سیدالشهداء عليه السلام

بدون تردید اهل بیت عليهم السلام به آنچه به دیگران سفارش می‌کنند، عاملند و اگر به شیعیان دستور داده‌اند که به مجالس عزای در خانه‌های

۱. کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

یکدیگر بروید و به هم تعزیت گوئید، یقیناً خود آن بزرگواران در مجالس عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام حاضر می شوند. در طول تاریخ چه در دوران حضور و چه در عصر غیبت شواهد زیادی بر این مدعا می توان یافت که برای رعایت اختصار به ذکر یک مورد بسنده می شود.

در روایتی آمده است:

روایت شده است که فضیل مجلسی را در ماتم امام حسین علیه السلام برپا کرد و امام صادق علیه السلام را از موضوع خبردار نکرد. هنگامی که روز بعد به محضر امام علیه السلام شرف یاب شد آن حضرت به او فرمودند: ای فضیل دیشب کجا بودی؟ عرض کرد: آقای من کاری مرا [از رسیدن به محضر شما] به تعویق انداخت. حضرت فرمودند: ای فضیل از من مخفی نکن. آیا در منزل خودت مجلس ماتمی در عزاداری بر مصیبت جدم امام حسین علیه السلام برپا نکرده بودی؟ عرض کرد: بلی آقای من. حضرت فرمودند: من نیز در آن مجلس حاضر بودم. فضیل عرض کرد: پس چرا من شما را زیارت نکردم؟ در کجا نشسته بودید؟ حضرت فرمودند: آیا هنگامی که خواستی از اتاق بیرون بروی پای تو به لباس سفیدی برخوردار نکرد؟ عرض کرد: بلی آقای من. حضرت فرمودند: من آنجا نشسته بودم. فضیل عرض کرد: آقای من چرا نزد رب اتاق نشسته بودید و چرا به صدر مجلس تشریف نبردید؟ امام صادق علیه السلام به او فرمودند: جدۀ من حضرت فاطمه زهرا علیه السلام در صدر مجلس نشسته بودند و لذا من برای بزرگداشت و اجلال ایشان در صدر مجلس نشستم!

۱. ثمرات الأعواد، ج ۱، صص ۳۱-۳۲.

رعایت آداب مجالس عزای

مجالس عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام صرفاً برای اقامه عزای و سوگواری است و پرهیز از هر کاری که با این امور منافات و تعارض داشته باشد، ضرورت دارد. موعظه، بیان احکام و معارف دین، ذکر فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام، نوحه خوانی و مرثیه سرایی در این مجالس بسیار شایسته و بایسته است. حاضران در مجلس نیز می‌بایست از وقتی که برای شرکت در عزای سالار شهیدان علیه السلام اختصاص داده‌اند نهایت بهره را ببرند و با گوش سپردن به مواعظ پرده‌های غفلت را بدرند، احکام و معارف دین را بیاموزند و با فضائل معصومان علیهم السلام بیش از پیش آشنا گردند و با توجه کامل به نوحه و مرثیه گوش جان بسپارند تا قلبشان رقت پیدا کند و در مصائب جانسوز مولایشان دل سوخته گردند و اشک بریزند. این کار سبب می‌شود که از آثار و ثواب‌هایی که برای احیای امر اهل بیت علیهم السلام و اقامه عزای در مصائب آن بزرگواران ذکر شده بهره‌مند گردند.

در مقابل بی‌توجهی به امور یادشده و اشتغال به کارهای دیگر موجب کم شدن بهره مؤمنان می‌گردد. چه بسا توصیه و تأکید بر تباکی در مواقعی که شخص به گریه نمی‌افتد، به جهت حفظ حرمت سوگواری و مرثیه خوانی است و ثواب و آثاری که برای آن ذکر شده از همین باب است پس اگر کسی که در مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام شرکت کرده به هر دلیلی رقت قلب پیدا نکرد برای حفظ حرمت و شأن مجلس باید حالت گریه و ماتم به خود گیرد. تباکی در حقیقت همراهی با مصیبت زدگان در عزای اهل بیت علیهم السلام است و هرچند که شخص گریه

نمی‌کند اما خود را در وضعیت حزن و اندوه قرار می‌دهد و این در حقیقت احترام به مجلس عزا است. برخی کارها همچون بی‌تفاوت بودن نسبت به ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و یا شوخی و خنده با روح این مجالس سازگاری ندارد و چه بسا بی‌احترامی و توهین باشد و موجب رنجش خاطر آن خاندان گردد و حاصلی جز ندامت و حسرت برای مرتکب در پی نداشته باشد.

در کتاب آثار و برکات حضرت امام حسین علیه‌السلام حکایاتی درباره آثار احترام و توهین به امام حسین علیه‌السلام ذکر کرده است. از جمله اینکه خنده در هنگام ذکر مصائب حضرت قمر بنی هاشم علیه‌السلام سبب خشم آن حضرت گردیده است. در این کتاب ذیل عنوان «خندیدن مردم با استماع مصیبت حضرت ابوالفضل علیه‌السلام که توسط روضه خوان مبتدی انجام شد» می‌نویسد:

این قضیه توسط حضرت حجة الاسلام حاج شیخ عبدالواحد خورشیدی بخشایشی نقل شده است: جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ علی قاسمی غریب دوستی می‌فرمود: در تاریخ ۱۳۳۸ هجری شمسی، بنده در رکاب حضرت آیه الله آقای حاج شیخ هدایت الله غروی رحمته‌الله به مناسبت برگزاری جلسه صلح بین یک نفر روحانی و مالک به گرم رود مسافرت نمودیم. بعد از برگشت از روستای جیران، چند روز در غریب دوست در منزل پدر آقای غروی ماندیم. علمای محترم روستای غریب دوست به دیدن مرحوم حاج شیخ آمدند و حاج شیخ نیز از ایشان بازدید نمودند. شبی از شب‌ها، که پدران طلاب آن روستا در محضر حاج شیخ حضور داشتند، شخصی به نام مشهدی اسماعیل

کمالی به خدمت حاج شیخ آمد و به ایشان عرض کرد: ما در منزل روضه داریم. حاج شیخ به بنده و حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عمران علیزاده فرمودند: در خانه ایشان منبر بروید! ما عرض کردیم: آقا جان ما تا به حال منبر نرفته‌ایم. فرمودند: این سخنرانی، منبر اول شما می‌شود. طبعاً وظیفه ما اطاعت از فرمایش حاج شیخ بود. ولذا برای روضه خواندن به منزل آقای کمالی رفتیم. در بین راه، بنده به آقای علیزاده گفتم: شما باید منبر بروید، زیرا من صلاحیت منبر ندارم. بعد از مذاکره، ایشان قبول کردند و قرار شد من هم به ایشان اجمالاً کمک کنم و البته منبر را ایشان تشریف ببرند. آقای مشهدی اسماعیل گفت: به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام توسل پیدا کنید و آقای علیزاده هم به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام توسل پیدا کردند. پس از منبر ایشان، من هم چند قطعه شعر خواندم. ولی چون اولین منبر ما بود، خجالت می‌کشیدیم و در وقت ذکر مصیبت، چشممان را بسته بودیم، یک وقت متوجه شدیم که مردم عوض اینکه گریه بکنند، می‌خندند! در خاتمه نیز چند قران (ریال) به عنوان اجرت توسل، به ما دادند.

با ناراحتی زیاد، نزد حاج شیخ برگشتیم. ولی حاج شیخ ما را تشویق کردند و مرتباً می‌گفتند: بارک الله پسرانم! ولی از ناراحتی درونی ما خبر نداشتند. آن شب را صبح کردیم و فردای آن روز دیدیم که صاحب منزل در اول صبح، وارد اطاق ما شده است و می‌گوید! حاج شیخ علت گریه وی را پرسید و وی توضیح داد که دیشب در خواب دیده است که آقا حضرت ابوالفضل العباس قمر بنی هاشم علیه السلام در حال غضب، به وی فرموده‌اند: عجب مجلس توسلی برپا می‌کنید؟! سپس افزود، من از

ترس به پای آقا افتادم و به ایشان عرض کردم: «آقا جان اشتباه شده است! تا زنده هستم، هر سال یک گوسفند می‌کشم و مجلس توسل برپا می‌کنم، مرا ببخشید. حضرت فرمودند: بروید در مجالس توسل، مواظب خودتان باشید! وی گفت: وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم مثل آدم بیدار گریه می‌کنم. بالاخره آن بنده خدا تا زنده بود، هر ساله یک گوسفند می‌کشت و برای حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام اطعام می‌داد. و بعد از او، فرزندان او نیز همان برنامه را ادامه می‌دهند. سپس مرحوم حاج شیخ به آن بنده خدا و حاضرین توصیه فرمودند که همیشه مواظب باشید که محبت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به خودتان جلب نمایید و این محبت به دست نمی‌آید، مگر اینکه انسان در مجالس سوگواری ایشان مؤدب داخل شود و مؤدب خارج گردد و همواره متوجه این باشد که این مجالس، نظاری دارد.

مرحوم ملاحسینقلی تکمداشی نیز همیشه می‌فرمود: ای مردم، صاحب مجلس، یعنی حضرت مولا علیه السلام حضور دارند. ایشان، که از بنی اعمام مرحوم آیه الله حاج میرزا فتاح شهیدی بود، از این روستا به آن روستا مسافرت می‌کرد و در بیابان آب را بهانه خود قرار می‌داد و یک مسئله به آن دهاتی‌ها یاد می‌داد. سپس به آنان می‌گفت که اگر تمایل دارید، در این بیابان یک توسل به حضرت مولا امام حسین علیه السلام پیدا کنیم. اگر آن باغبان یا زارع اظهار تمایل می‌کرد، وی در آن بیابان توسلی می‌جست. سپس عرض می‌کرد: «خدایا در این بیابان به یک نفر یک مسئله یاد دادم» و سپس در بین منازل راه، زمزمه می‌کرد و می‌گریست. روحانی نباید بیکار بنشیند، بلکه باید همیشه در

حال انجام مأموریت ابلاغ باشد. واقعاً آن مرحوم وصفاً (نه اسماً) روحانی بود.^۱

خواص مجالس عزا و گریه بر امام حسین علیه السلام

کتاب الخصائص الحسينیه تألیف آیت الله شیخ جعفر شوشتری رحمته الله دوازده عنوان دارد و هر عنوان از چند مقصد تشکیل شده است. مؤلف محترم عنوان ششم از کتاب را به خصوصیات مربوط به خشوع هنگام ذکر امام حسین علیه السلام اختصاص داده است. این عنوان دوازده مقصد دارد و از مقصد ششم تا دوازدهم آن مربوط به خواص مجالس عزا و گریه بر امام حسین علیه السلام است. در اینجا به عنوان حسن ختام مجموعه حاضر این مقاصد هفتگانه عیناً به نقل از کتاب زیتون ترجمه الخصائص الحسينیه نقل می شود:

مقصد ششم

این مقصد درباره خواص مجالس مرثیه خوانی و گریه بر حسین علیه السلام است که در این باره هشت مطلب وجود دارد:

- * آن حضرت فرموده است هر کس در مجلسی بنشیند که در آن امر ما احیاء می شود، در روزی که قلبها می میرند، قلب او نمی میرد.
- * چنین مجلسی محل صعود حمد و ثنای خداست، چرا که نفس های کسی که برای او مغموم است، تسبیح است.

۱. آثار و برکات حضرت امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۷-۱۲۹ به نقل از چهره درخشان، ج ۲، ص ۶۵۲.

* چنین مجالسی مورد علاقه و عنایت امام صادق علیه السلام است. آن حضرت فرموده است که چنین مجالسی را دوست دارم و این مجالس مورد علاقه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بالاتر از اینها مورد پسند خداوند است.

* چنین مجلسی مورد عنایت حسین علیه السلام است، چرا که آن حضرت از یمین عرش به سه چیز می‌نگرد، اردوگاهش و کسانی که در آنجا به شهادت رسیدند، زائرانش و آنان که بر او گریه می‌کنند.

* چنین مجالسی مشهد ملائکه مقرب درگاه خداست. چنانچه روایت شده است که جعفر بن عفان بر امام صادق علیه السلام وارد شد، امام او را به خود نزدیک گردانید و نزد خود نشانید. سپس گفت: ای جعفر! جعفر گفت: بله؛ خدا مرا فدای تو گرداند. امام فرمود: تو درباره حسین علیه السلام به زیبایی قصیده می‌سرایی. جعفر گفت: بله، خدا مرا فدای شما گرداند. امام فرمود: بگو، آنگاه جعفر اشعارش را خواند. امام صادق علیه السلام و اطرافیانش گریه کردند، به نحوی که اشک بر چهره آن حضرت جاری شد. سپس امام فرمود: ای جعفر! به خدا سوگند، ملائکه مقرب درگاه خداوند در اینجا حاضر شدند، آنها هم سخنان تو درباره حسین علیه السلام را می‌شنیدند و همانند ما یا بیشتر از ما گریه کردند. جعفر گفت: آنگاه امام فرمود: هر کس درباره حسین علیه السلام مطلبی بگوید و گریه کند یا بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد.

* مجلس عزای حسین، بارگاه حسین است. زیرا که بارگاه حسین علیه السلام، مختص به بنای خاصی نیست، بلکه بارگاه او همان خضوع و خشوع است. بنابراین هر مجلس خضوعی، به ویژه که برای ذکر

حسین علیه السلام باشد، بارگاه آن حضرت است... .

* مجلس حسین علیه السلام معراج گریه کننده است. چنین مجلسی محل نزول صلوات و رحمت خاص خداوند است و موجب بخشش گناهان و ارتقای درجات است. حتی اگر این مسئله برای یک نفر از اهل مجلس که به گریه می اندازد، یا گریه می کند یا تباکی می کند، محقق شود، امید سرایت آن را به دیگران هم داریم، از آنجا که با اهل مجلس به یک نوع معامله می شود.

* فرمود: این نوع مجالس، مجالس شریفی است که هیچ مجلسی مقدم تر، پرافتخارتر و عزیزتر، عظیم تر و اخص از آن وجود ندارد.

مقصد هفتم

این مقصد درباه خواص گریه از باب صفات است که در این باره هشت نکته وجود دارد:

۱. گریه بر حسین علیه السلام صله رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.
۲. گریه بر آن حضرت موجب خرسندی زهر علیه السلام می شود، چرا که آن حضرت، هر روز بر حسین علیه السلام گریان است. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا دوست نداری از کسانی باشی که فاطمه علیه السلام را خرسند می سازند.
۳. این کار ادای حق پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است. زیرا در روایت آمده است که گریه کننده حق ما را ادا کرده است.
۴. این عمل، یاری و نصرت حسین علیه السلام است، چرا که یاری کردن در هر زمانی بر حسب آن زمان می باشد.
۵. گریه بر حسین علیه السلام پیروی از اسوه حسنه ای است که از

پیامبران علیهم السلام، ملائکه و همه بندگان مخلص خداوند بر جای مانده است.

۶. این کار اجر و مزد رسالت است و از جمله مودت درباره نزدیکان است.

۷. ترک این کار جفا به حسین علیه السلام است.

۸. گریه بر حسین، تسلی بخش گریه بر هر نوع مصیبتی است که بر هر کسی وارد شده باشد. امام رضا علیه السلام فرمود: ای پسر شیبیب اگر به خاطر چیزی گریان شدی، برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن، چرا که او را چون گوسفند سر بریدند و به همراهش ۱۸ تن از اهل بیتش را که در روی زمین مانندی ندارند، کشتند.

در این حدیث آنجا که حضرت، از امام به ذبح و از اهل بیتش به قتل تعبیر کرده است نکته‌ای وجود دارد و آن نکته این است که آنها به واسطه زخمی شدن و وارد آمدن ضربات به شهادت رسیدند و پس از افتادن بر زمین به سبب زخم‌هایی که برداشتند، جان سپردند. امام حسین علیه السلام نیز زخم‌هایی برداشت و بر زمین افتاد و همین زخم‌ها به اندازه‌ای کاری بود که آن حضرت جانش را فدا کند، اما دشمن به این مقدار بسنده نکرد، بلکه او را چون گوسفند سر برید.

مقصد هشتم

این مقصد درباره فضایل گریه بر حسین علیه السلام است که در آن پنج نکته وجود دارد:

۱. می‌توان به کسی که بر حسین علیه السلام گریه می‌کند؛ گفت: صلوات و سلام خداوند بر تو. چون در روایت نبوی آمده است که فرمود: درود و

سلام خداوند بر کسانی باد که از روی ترحم و شفقت بر حسین گریانند. این عبارت می تواند هم مفهوم دعا داشته باشد و هم خبر باشد، که در هر صورت، مطلوب ثابت است.

۲. فضیلت این کار ممکن است در حد فضیلت دشوارترین و تلخ ترین اعمال باشد که همان ذبح کردن فرزندان به عنوان قربانی خداوند تعالی می باشد. این نکته از روایت منقول از امام رضا علیه السلام استنباط می شود.

از آن حضرت نقل شده است: وقتی ابراهیم علیه السلام گوسفند را به عنوان هدیه قربانی کرد، آرزو نمود که ای کاش فرزندش را ذبح می کرد تا به عالی ترین درجات نایل شود. آنگاه واقعه حسین در کربلا به او وحی شد و ابراهیم علیه السلام شروع به گریه و زاری کرد. سپس خداوند تعالی به ابراهیم وحی کرد که گریه و زاری تو بر حسین و قتل او را فدای گریه و زاری تو بر فرزندت اسماعیل - در صورتی که آن را ذبح می کردی - نمودیم و برای تو عالی ترین درجات اهل ثواب بر مصیبت ها را مقرر نمودیم.

مفهوم این عبارت که «ممکن است در حد فضیلت... برسد» به خاطر این است که هر کسی به این طریق، به این مقام و مرتبه عظیم نمی رسد، بلکه کسی به این منزلت می رسد که حسین علیه السلام آنچنان برایش عزیز باشد که برای ابراهیم علیه السلام عزیز بود...

پس، ای کسانی که حسین علیه السلام برایتان عزیزتر از فرزندانان است و بریدن سر او درد آورتر از ذبح عزیزترین فرزندانان در راه خدا

می‌باشد! بشارت باد شما را که هرگاه برای حسین علیه السلام گریه و زاری می‌کنید، در هر نوبت، ثواب ذبح فرزندی در راه خدا را برای شما می‌نویسند.

۳. گریه بر امام حسین علیه السلام از نظر اندک بودن، محدودیت ندارد، در حالی که هر عملی حداقلی دارد که بدون آن، عمل تحقق پیدا نمی‌کند و همچنین گریه بر امام از نظر کثرت حدی برای ثوابش متصور نیست.

۴. این از شگفتی‌هاست که گریه بر حسین علیه السلام اگر صورت ظاهر پیدا نکند و تشبه به آن حاصل شود، ثواب آن نصیب شخص می‌گردد. یعنی اگر گریه تحقق پیدا نکند و تباکی صورت گیرد، یعنی شخص حالت خود را شبیه کسی کند که گریه می‌نماید و سرش را پایین اندازد و صدای گریه درآورد و علایم رقت و تأثر در او ظاهر شود، ثواب گریه برای او مقدر می‌گردد؛ به این معنا که برای خدا تباکی کند، نه برای تظاهر به مردم؛ زیرا تباکی عملی است که اخلاص شرط آن می‌باشد.

۵. گریه بر حسین علیه السلام بر همه اقسام ایمان و اعمال نیکو، بنابه دلایل عدیده‌ای، برتری دارد.

مقصد نهم

این مقصد درباره‌ی خواص گریه از نظر اجر و ثواب است که انواعی دارد:

* نوع اول: مربوط به نجات از عقاب و احوال است. تفصیل این مطلب در چند نکته نهفته است که عبارتند از:

الف) خروج روح از بدن گرفتاری بزرگ، هول شدید و عذاب دردناکی است. علی علیه السلام در این باره فرموده است: مرگ، جان‌کنند سختی دارد که وحشت‌انگیزتر از آن است که توصیف شود و یا در اندیشه‌های اهل این دنیا درک بشود. در حالی که گریه بر حسین علیه السلام، انسان را از آن نجات می‌دهد. امام صادق علیه السلام به مسمع بن عبدالمملک فرمود: ای مسمع! تو از اهالی عراق هستی، آیا قبر حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟ گفت: نه؛ زیرا دشمنان ناصبی زیادی دارم، می‌ترسم نزد والی سعایت مرا کنند و مجازات شوم. امام فرمود: آیا به گریه و زاری می‌افتی؟ گفت: بله، به خدا گریه می‌کنم و خانواده‌ام اثر آن را در من می‌بیند و حتی از طعام امتناع می‌کنم. امام صادق فرمود: هنگام مرگ خواهی دید که پدران من بر بالین تو حاضر می‌شوند و به ملک الموت سفارش تو را می‌کنند، به نحوی که چشم‌ت روشن می‌شود.

ب) مشاهده ملک الموت، به خصوص برای اهل معصیت، هول شدید و گرفتاری عظیم و وحشت‌انگیز است؛ اما گریه بر حسین علیه السلام موجب نجات از این امر می‌شود. امام صادق علیه السلام پس از آن فرمایش، به مسمع گفت: ملک الموت به تو مهربان‌تر از مادر مهربان به فرزندش است. آیا دیدن مادر مهربان وحشتناک است؟

ج) فرود آمدن در قبر، عذاب دردناک و مصیبت بزرگ و گرفتاری هولناکی است، به همین خاطر مستحب است که میّت در سه مرحله به قبر منتقل شود تا ترسش ریخته شود؛ اما گریه بر حسین علیه السلام موجب نجات از این گرفتاری است. در روایت‌های زیادی وارد شده است،

سروری که خداوند آن را در قبر مؤمن وارد می‌کند، از آن صورت نیکویی را خلق می‌نماید، تا قبل از شخص وارد قبر شود و شخص مؤمن را ملاقات می‌کند و به او می‌گوید: ای دوستدار خداوند! تو را بشارت به کرامت خداوند و رضوان او باد، و با او انس می‌گیرد و به او اطمینان می‌دهد تا وقتی که حساب به پایان می‌رسد. وقتی که ما قلب پیامبر ﷺ امیرالمؤمنین علیه السلام، قلب فاطمه زهرا علیها السلام و قلب حسن مجتبی و سیدالشهدا علیه السلام را با گریه بر حسین شاد کنیم، و به این ترتیب آن بزرگواران را مسرور نماییم، آنها می‌فرمایند که آن کار صله و احسانی از طرف شما برای ما است. پس چگونه خواهد بود زیبایی صورت مثالی که از سرور آنها خلق می‌شود و چگونه خواهد بود جمال صورتی که از صفات آنها خلق شده است و هنگام ورود به قبر با ما ملاقات می‌کند و با ما انس می‌گیرد!!

۴. باقی ماندن در قبر و برزخ عذابی دردناک و مصیبت بزرگ و گرفتاری هولناکی است. آیا فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را که به زبان حال اهل قبور است شنیده‌ای؟ «آنها هر آن پیام می‌دهند که تنگی قبر برای ما سخت و دشوار است،... و اقامت‌مان در منازل و حشت طولانی گردید». در حالی که گریه بر حسین علیه السلام در این باره سودمند است؛ چرا که درباره گریه کننده بر حسین آمده است که این شخص به هنگام مرگ چنان شاد می‌شود که تا روز قیامت این شادی در قلب او باقی می‌ماند.

۵. خروج از قبر مصیبتی بزرگ و وحشتی عظیم و گرفتاری هولناکی است که حضرت سجاد علیه السلام را به گریه واداشت. آن حضرت گریه

می کرد و می فرمود: گریه من برای خارج شدنم از قبرم در حالی است که عریان و ذلیل هستم و بر پشت خود بارم را حمل می کنم، یک بار به طرف راست و بار دیگر به سمت چپم می نگرم و می بینم که خلائق هریک به کاری غیر از کار من مشغول هستند. در آن روز، چهره هایی فروزان و خندان و شادمان است و رخسارهایی غبارآلود است که دود تاریکی آن را فرا گرفته است. اما گریه بر حسین علیه السلام موجب عزت و پوشیده شدن گناهان و سبک شدن باری است که بر پشت انسان است. بنابراین اگر این خوف و ترس وجود دارد که در آن روز چهره غبارآلود باشد و بر آن غبار تیرگی و ذلت نشسته باشد، اما درباره گریه کننده بر حسین علیه السلام آمده است که او در حالی از قبرش بیرون می آید که شادی بر چهره دارد و ملائکه با او ملاقات می کند و به او بشارت می دهند که خداوند برای او چه چیزهایی را تدارک دیده است.

۶. زلزله قیامت قضیه بزرگی است که همان مصیبت عظمی باشد، این زلزله دارای مواطن و موافقی است و حالتها و سختی هایی دارد؛ و برحسب حالت هایی که در آن وجود دارد، دارای اسامی متعددی است. مثلاً به اعتبار حالتی، قیامت و به اعتبار حالت های دیگر غاشیه، ساعت، زلزله، حاقه، قارعة، يوم الفصل، يوم الدين، يوم الفزع الاكبر، يوم العرض الاكبر، يوم الحساب، الطامة الكبرى، الصاخة، الواقعة، يوم الفرار، يوم البكاء، يوم التناد، يوم التغابن، يوم الازفة، يوم يكون الناس كالفراس المبتوت و يوم لا يسئل حميمٌ حميماً، نامیده شده است. نجات یافتن از هر موطن و موقف این زلزله، نیاز به اعمال، صفات،

احوال، اخلاق، مجاهدت‌های دشوار، بذل جان و اموال، شب‌زنده داری‌ها، عبادت‌ها، ترک راحتی‌ها و دوری جستن از دنیا دارد؛ اما گریه بر حسین علیه السلام به جای همه اینها می‌آید، چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام - وقتی از پدرش سؤال کرد که چه کسی عزای فرزندم حسین را برپا می‌دارد - فرمود: وقتی روز قیامت برپا شود، هر کس بر مصیبت‌های حسین گریه کرده باشد، ما دست او را می‌گیریم و وارد بهشت می‌گردانیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست هر کس را بگیرد، القارعة او را در هم نمی‌کوبد و مصیبت عظمی او را در بر نمی‌گیرد و هیچ یک از آن صفات بر او جاری نمی‌شود، بلکه او خندان است و روز قیامت برایش روز گریه نیست. همچنین روز قیامت روز غم و اندوه او نیست، چون او راحت است. روز تغابن هم برای او نیست، چرا که او در مجمع حسین علیه السلام است و حسین از حال او می‌پرسد و این حامی مهربان است که احوال گریه‌کنندگان بر خود را جویا می‌شود.

۷. موقع حسابرسی و خواندن نامه عمل، انسان هول عظیمی دارد؛ چرا که امام متقیان و سرور صدیقان، هنگام تصور چنین حالتی گریه می‌کرد. آن حضرت نیمه‌های شب به بیابان می‌رفت و به این خاطر نوحه سر می‌داد و می‌گفت: «آه از آن زمانی که در نامه اعمالم گناهایی را می‌بینم که من آنها را فراموش کرده بودم، اما تو آنها را نوشته بودی، پس می‌گویی بگیرد او را. وای بر حال این گرفتار که عشیره‌اش نمی‌تواند او را نجات دهد». آنگاه آن حضرت گریه می‌کرد و مانند مار گزیده بر

خود می پیچید تا اینکه غش می کرد و مانند چوب خشک می شد. اما گریه بر حسین علیه السلام به هنگام خواندن نامه اعمال و آن زمان که پیام می رسد که نامهات را بخوان، سودمند است. چرا که گریه کنندگان بر آن حضرت، در سایه عرش به سخنان حسین علیه السلام گوش فرامی دهند، در حالی که باقی مردم در حال پس دادن حساب هستند.

۸. عبور از صراط و حشتناک است و حتماً هم باید از آن گذشت و از امور حتمی است که خداوند آن را مقدر فرموده است، اما مردم به طور متفاوت از آن عبور می کنند، برخی چون برق می گذرند، تعدادی مانند کودکان چهار دست و پا می روند؛ تعدادی هنگام عبور از آن مانند ساس به داخل آتش می افتند؛ و این در حالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده اند و به درگاه خداوند استغاثه می کنند و می گویند: ای خدا! تو خودت حفظ کن؛ اما آن طور که در روایت های معتبر آمده است: پیامبر دست گریه کننده بر حسین علیه السلام را می گیرد و او را از صراط عبور می دهد.

۹. بردن به سوی جهنم اعظم احوال و شدیدترین نوع مجازات است که همان فزع اکبر باشد؛ اما گریه بر حسین علیه السلام اثراتی دارد که این عذاب را دفع می کند.

۱۰. افتادن در آتش، از اعظم بلیات است و عذابی است که زمین و آسمان ها طاقت تحمل آن را ندارند، ولی گریه بر حسین علیه السلام موجب نجات از آن می شود و آن طور که در روایت آمده است قطره هایی از آن اشک، آتش جهنم را خاموش می گرداند، و این کنایه از آن است که گریه کننده بر حسین علیه السلام - در صورتی که مجازاتش وقوع در آتش جهنم باشد - از آن به واسطه این گریه خارج می شود.

نوع دوم: مربوط به پوشاندن گناهان و خطاهاست؛ در روایت‌ها آمده است که یک قطره اشک چشم برای امام حسین علیه السلام خطاها و گناهان را - اگرچه به اندازه دریاها و تعداد ستارگان باشد - می‌پوشاند. نوع سوم: مربوط به حُسنِ حالت‌ها می‌باشد؛ و حالتی نیکوتر از آن نیست که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و زهرا و حسن علیه السلام شامل حال تو گردد؛ و این امر با درخواست حسین علیه السلام از آن بزرگواران برای دعای بر تو صورت می‌پذیرد و این حالت با گریه بر حسین علیه السلام حاصل می‌شود.

نوع چهارم: مربوط به کسب ثواب و رسیدن به جنّات است. در روایت آمده است که اجر هر قطره اشکی که برای حسین علیه السلام ریخته می‌شود آن است که خداوند صاحب آن اشک را برای مدتی در بهشت جای می‌دهد. که منظور از این روایت دوام و جاودانگی گریه کننده در بهشت است.

نوع پنجم: مربوط به ارتقای درجات است؛ و هیچ درجه‌ای عالی‌تر از درجه افضل مخلوقات صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، ائمه هدی علیهم السلام نیست. در حالی که در روایت وارد شده است که گریه کننده بر حسین علیه السلام، درجاتی مانند آن بزرگواران دارد.

مقصد دهم؛ خواص چشم‌گریان

این مقصد درباره خواص چشم‌گریانی است که اشک از آن جاری می‌شود؛ و در این باره چند نکته وجود دارد:

۱. چنین چشمی، محبوبترین چشم در پیشگاه خداوند تعالی است.
۲. در روز قیامت هر چشمی به خاطر عذاب و شداید گریان است، به جز آن چشمی که بر حسین علیه السلام گریان بوده است. صاحب چنین چشمی خندان می باشد و او را به نعمت های بهشت بشارت می دهند.
۳. چنین چشمی با نگاه بر کوثر متنعم می شود؛ یعنی نگاه او بر کوثر، نگاه تنعم و بهره مند شدن از آن است، وگرنه همه به کوثر نگاه می کنند.
۴. ملائکه چنین چشمی را مس می کنند، چرا که آنها اشک را از آن چشم ها پاک می نمایند.

مقصد یازدهم؛ خواص اشکی که در عزای حسین علیه السلام جاری می شود

- از روایت هایی که در این باره وارد شده است، پنج نکته دریافت می شود:
۱. آن اشک، محبوب ترین قطرات در نزد خداوند است.
 ۲. اگر قطره ای از این اشک در جهنم افتد او را سرد و خاموش می گرداند.
 ۳. ملائکه این اشک ها را می گیرند و در شیشه ای نگهداری می کنند.
 ۴. چنین اشکی به خزانه داران بهشت داده می شود تا آنها، آن را با آب حیوان که در بهشت وجود دارد، در هم آمیزند و در نتیجه هزار برابر به گوارایی آن افزوده می شود.
 ۵. قدر و ارزش ثواب چنین اشکی را نمی توان سنجید؛ هر چیزی ارزش مشخصی دارد، جز اجر و پاداش گریه بر حسین علیه السلام.

مقصد دوازدهم

خاتمه مقاصد است.

هرگاه این کیفیت‌ها و خواص عجیب را شنیدی و علاوه بر آنها، شنیدی که در روایت آمده است که هر چیزی ثواب مشخصی دارد، به جز اشکی که به خاطر ما ریخته می‌شود؛ یعنی میزان ثواب آن معلوم نیست و حدود قابل ذکری ندارد، تعجب نکن و آن را به خاطر این عمل اندک، زیاد به حساب نیاور؛ زیرا در واقع این اجر و ثواب و عطای بر گریه کننده، به خاطر ارزش آن قطره اشک نیست، بلکه عطا و بخششی از جانب حسین علیه السلام در ازای آن چیزی است که شخص گریه کننده بذل کرده است؛ و این مقدار از جانب آن حضرت زیاد نیست، چرا که در اخبار مربوط به احوال پادشاهان و ملوک با سخاوت آمده است که آنها در قبال یک خدمت جزئی یا در ازای قصیده‌ای که در مدح آنها سروده شده، آنچنان بذل و بخشش کرده‌اند که به عنوان موضوعی تعجب برانگیز در طول زمان باقی مانده است. به عنوان مثال، معن بن زائد صد هزار درهم به کسی که در مدح او یک بیت شعر گفت، عطا کرد. آنگاه روز بعد این عطا را دو برابر نمود و روز سوم نیز به مقدار آن افزود. سپس روز چهارم در پی آن شاعر فرستاد. آمدند و گفتند: از ترس اینکه مبادا آن عطایا را از او باز پس بگیری فرار کرده است. معن گفت: اگر می‌ماند تمام خزانم را در عطای به او هزینه می‌کردم.

در صورتی که معن بن زائد تمام خزان خود را - که جز آن چیزی

نداشت و به آن محتاج بود - به کسی می‌بخشد که او را با یک بیت شعر، آن هم زبانی نه قلبی، مدح کرده است، آیا ممکن است خدایی که خزائنش پایان‌ناپذیر است و جود و کرم جز بر کثرت عطایش نیفزاید، به کسی که جان، سر، و دست و تمام اعضا و جوارح، فرزندان، عیال، راحتی و حیات خود را در راه او بذل کرده است، مانند آن را عطا نکند؟! علاوه بر اینها، آن حضرت، غمگین، تشنه لب و در امور مربوط به اهل و عیال و کودکانش متحیر بود و زخم‌های شمشیر و زخم زبان، نیزه و سنان، سرزنش و دشنام و سنگ هر لحظه هم بر ایشان می‌بارید.

همچنین حکایت شده است که معشوقه هشام، زنی به نام خالصة، تمام زیور و جواهرات خود را به شاعری داد تا یک حرف از حروف الف باء را در یک بیت شعر خود تغییر دهد و به این ترتیب آن بیت شعر را از هجو او به مدح و ستایش او تبدیل کند.

وقتی زنی تمام مایملک خود را که برایش بسیار عزیز است، می‌بخشد تا یک حرف از حروف الف باء را به خاطر خود تغییر دهد، عطای خالق آسمان‌ها و زمین و آنکه بخشنده‌ترین است، به کسی که تمام وجودش را در راه او داده است، چگونه خواهد بود؟! پس اگر خداوند هر آنچه را که قابل تصور است و می‌توان به کسی بخشید، به حسین علیه السلام عطا کرده باشد، جای تعجب و شگفتی ندارد و نباید منکر چنین عطایی از جانب خداوند شد؛ زیرا در غیر این صورت، به خداوند جواد و بخشنده نسبت بخل داده می‌شود و آن طور که سید علی حسینی در خواب دیده و مرحوم مجلسی و دیگران آن را

نقل کرده‌اند، باعث شکستن دل زهرای بتول علیها السلام می‌شود و همچنین موجب کاستن از قدر حسین علیه السلام و تقلیل اجر آن حضرت می‌گردد. پس همه آن ثواب‌ها ناشی از اجر حسین علیه السلام است. بنابراین اگر به این خاطر که حسین علیه السلام از شهر و دیارش رانده شد، قلب متأثر شد و اشک از دیده‌ات جاری گردید، اجر و پاداش تو با آن ویژگی‌هایی که ذکر کردیم، به خاطر اشک تو نیست تا آن را زیاد بینداری، بلکه اجر و پاداشی است برای چگونگی رانده شدن و در به دری آن حضرت، به نحوی که ایشان از هر نقطه‌ای بر روی زمین رانده و آواره شدند، تا جایی که حتی دشمنانش اجازه نمی‌دادند که سر بریده و پیکر بر زمین افتاده آن حضرت در جایی استقرار یابد...

والسلام علی المهدی الذی یملاء الارض عدل وقسطا
کما ملئت ظلما وجورا

منابع

* قرآن.

* نهج البلاغه.

۱. ابن اثیر، محمد بن مبارک جزری، *النهاية في غريب الحديث والاشتر*، تحقيق حسن بن علي نمازی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن بابويه (صدوق)، *التوحيد*، تحقيق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسين، اول ۱۳۹۸ ق.
۳. _____، *الخصال*، تحقيق علي اكبر غفاری، قم، جامعه مدرسين، اول ۱۳۶۲ ش.
۴. _____، *عيون اخبار الرضا عليه السلام*، تحقيق مهدي لاجوردی، تهران، نشر جهان، اول ۱۳۷۸ ق.
۵. _____، *محمد بن علي، الامالي*، تهران، كتابچي، ششم، ۱۳۷۶.
۶. _____، *محمد بن علي، ثواب الاعمال وعقاب الاعمال*، قم، دار الشريف الرضي للنشر، دوم، ۱۴۰۶ ق.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، *محمد بن علي، مناقب آل ابی طالب عليه السلام*، قم، علامه، اول ۱۳۷۹ ق.

٨. ابن طاووس، علي بن موسى، الاقبال بالأعمال الحسنة، تحقيق جواد قيومي اصفهاني، قم، دفتر تبليغات اسلامي، اول ١٣٧٦ ش.
٩. ابن فهد حلي، احمد بن محمد، عدة الداعي ونجاح الساعي، تحقيق احمد موحدى قمى، دارالكتب الاسلامي، اول ١٤٠٧ ق.
١٠. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق عبدالحسين اميني، نجف، دارالمرتضويه، اول ١٣٥٦ ش.
١١. ابن نما حلي، جعفر بن محمد، مثير الأحزان، تحقيق مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام، سوم، ١٤٠٦ ق.
١٢. اجلايان، مهدي، تمنای ابرار، قم، انتشارات رسالت، ١٣٨٧ ش.
١٣. اصفهاني، ابوالفرج، الأغاني، بيروت، دار احياء التراث العربي، اول ١٤١٥ ق.
١٤. اصفهاني، ميرزا محمد تقى، مكيال المكارم، تحقيق سيد على عاشور، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤٢١ ق.
١٥. باقى اصفهاني، محمدرضا، آثار و بركات حضرت امام حسين عليه السلام، مؤلف اول، ١٣٨٠ ش.
١٦. حميدى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول، ١٤١٣ ق.
١٧. شوشترى، شيخ جعفر، اشك روان براسيركاروان، ترجمه الخصائص الحسينيه، ترجمه سيد محمد حسين شهرستاني، تحقيق موسسه علوم آل محمد عليه السلام، قم، موسسه مطبوعاتي دارالكتاب (جزائري)، ١٣٧٤.
١٨. _____، زيتون، ترجمه الخصائص الحسينيه، ترجمه دكتور خليل الله فاضلى، تهران، نشر هفت، چهارم ١٣٩٠ ش.

۱۹. شهيد ثانی، زين الدين بن علي، منية المرید، تحقيق رضا مختاری، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، اول ۱۴۰۹ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذيب الاحكام، تحقيق حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چهارم ۱۴۰۷ ق.
۲۱. طیب، سيد عبدالحسين، اطيب البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. قندوزی حنفی، سليمان بن ابراهيم، ينابيع المودة، تحقيق سيد علي جمال اشرف الحسيني، دار الاسوة، اول ۱۴۱۶ ق.
۲۳. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقيق جمعی از محققان بيروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، تحقيق علي اكبر غفاري و محمود محرمي زرندي، قم، المؤتمر العالمي لاسفينة الشيخ المفيد، اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. نوری، حسين بن محمد تقی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. هاشمی نجفی، علي بن الحسين، ثمرات الأعواد، انتشارات المكتبة الحيدرية، دوم ۱۴۲۶ ق.